

آب و رویکردهای نو در آستانه آغاز کار دولت دوازدهم



یک دهه همکاری ملی آب

۱- سخن آغازین

دو یا سه دهه پیش در رویکردهای مدیریت آب، نقش فرایندها و کنشگران سیاسی کمتر مورد توجه و تاکید قرار می‌گرفت و گاه به عمد از توجه به این مولفه پرهیز می‌شد. اما اکنون، در سطح بین‌المللی، با برجسته شدن مفهوم حکمرانی آب، توجه به امور سیاسی در مدیریت آب در کانون توجه واقع شده است. بنابراین سیاست و کنشگران سیاسی به عنوان یکی از مولفه کلیدی گفتمان حاکم مطرح است و مدیریت آب ذاتاً یک فرایند سیاسی تلقی می‌شود. برای مدتی طولانی سیاست‌گذاری آب تحت سلطه "ماموریت هیدرولیکی" بود. ماموریت هیدرولیکی عرصه مهندسان بود. تمام مشکلات کمبود آب را با ساختن سازه‌های بیشتر حل می‌توان کرد. سدها برای ذخیره سازی آب. ایستگاه‌های پمپاژ، تونل‌ها و کانال‌ها برای انتقال و توزیع آب. مأموریت هیدرولیکی به ساخت این تاسیسات فراتر از ظرفیت امن و پایدار استفاده از آنها ادامه داد. مرحله دوم برای مدیریت آب، ظهور اقتصاددانان بود. آنها سعی کردند ماموریت هیدرولیکی را با ارائه هزینه‌ها و فایده‌ها برای طرح‌ها در بستر اقتصادی ارزیابی کنند. آنها نیز موفقیت محدودی داشته‌اند. از جمله طرح‌های آبیاری در سراسر جهان به دلیل گرایش به انتخاب پایین‌ترین برآورد هزینه‌ها و بالاترین برآوردهای بازده‌ها، با نواقص و کاستی‌های زیادی همراه است. یعنی آرمان‌های مندرج در برنامه‌های آنها، به ندرت اتفاق می‌افتد.

اکنون از دیدگاهی، آب وارد مرحله سوم مدیریت شده است: سیاست آب. کمبود آب جوامع را مجبور می‌کند تا بین آب برای کشاورزی، برای استفاده خانگی، برای استفاده صنعتی و برای محیط زیست انتخاب کنند. این موضوع باعث می‌شود که سیاست و به دنبال آن اقتصاد سیاسی آب به عنوان مولفه بسترساز و غالب بر مدیریت آب بسیاری از تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طوری که بدون توجه به آن اجرای سیاست‌ها و تصمیمات برای تغییر و اصلاح مدیریت آب با چالش‌های بسیار زیادی روبرو خواهد بود. از این رو جامعه باید به شناخت نحوه تاثیرگذاری فرایندهای سیاسی بر مدیریت آب بپردازد و در انتخاب مدیران دقیق و پی‌گیر باشد و تلاش کند تا مدیرانی به قدرت برسند که نسبت به مسائل آبی دغدغه‌مند، آگاه و کنشگر باشند و مصالح درازمدت ملی ترجیح اول آنها باشد.

در زمان انتخاب‌های مهم سیاسی، چون انتخاب رییس جمهور یا انتخاب هیئت وزراء، به دلیل حساسیت و هوشیاری جامعه در بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در برخورد با مسئله آب، طرح پرسش‌ها و نظرات به جامعه کمک خواهد کرد که با آگاهی و دیدگاه‌های درستی به مسائل و تحلیل برنامه‌ها و شایستگی افراد بپردازند. جامعه در این بزنگاه مهم آمادگی لازم را برای تاثیرگذاری آگاهانه بر فرایندهای سیاسی از طریق پرسش‌گری درباره داشتن برنامه و کنش موثر از کاندیداهای مختلف دارد. نقش خبرگان جامعه در این مقاطع اجتماعی در کنار رسانه‌های کنشگر، طرح دقیق و آگاهانه مباحث و پرسش‌ها در مورد مسئله آب و ابعاد آن و راهکارهای احتمالی برای شکل‌گیری گفت‌وگوی اجتماعی است. ارتقای تقاضای عمومی می‌تواند به بهبود برنامه‌ها و سیاست‌های کنشگران منجر شود. معادله تغییر در مدیران آب در عین پیچیدگی می‌تواند نقطه آغازین ساده و در دسترس داشته باشد که البته بدون بررسی برنامه‌ای و سیستمی مقدمات و دیگر کنشگران سیاسی نمی‌توان و نباید از آن انتظارات خیلی بالایی

داشت. مهم آن است که جامعه به صورت فعالانه در عرصه مدیریت آب ورود کرده و دقیق و پی‌گیر باشد. به همین دلیل اهمیت شناخت واقعیت‌ها و ابعاد مسئله در حوزه آب و ضرورت تغییر رویه‌ها و رویکردها در مقطع حساس تغییر دولت آشکار می‌شود.

در همین راستا، چهار نهاد انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، اندیشکده تدبیر آب ایران و خانه اندیشمندان علوم انسانی بر آن شدند تا در نشستی با عنوان «آب و رویکردهای نو در آستانه آغازکار دولت دوازدهم» در روز دوشنبه ۱۶ مردادماه ۱۳۹۶ در ساعت ۱۷ الی ۲۰ به بررسی شرایط موجود و ضرورت انجام تحولات اساسی در مدیریت آب در فرصت تاریخی امروز ایران بپردازد.

با برنامه‌ریزی مناسب رسانه‌ای برای نشست، مباحث و یافته‌های این نشست در رسانه‌ها بازتاب خوبی یافت. این نشست شامل دو بخش سخنرانی و پرسش و پاسخ و گفت‌وگوی جمعی بود. اما بنا به عادت مالوف، بیشتر مطالب منعکس شده در رسانه‌ها بر صحبت سخنرانان نشست متمرکز بوده و گفت‌وگوی جمعی و پرسش و پاسخ که حاوی نکات قابل تامل و ارزشمندی بود مورد غفلت کامل قرار گرفت. در این گزارش این غفلت جبران و متن کامل گفت‌وگوی جمعی و پرسش و پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

اندیشکده تدبیر آب ایران به روال معهود خود برای مستندسازی رویدادها مشروح مذاکرات صورت گرفته در این نشست به همراه دست‌آوردهای آن در طرح مطالبات دقیق و نحوه انتشار یافته‌ها و آگاه‌کردن جامعه اقدام و مجموعه‌ای را آماده انتشار کرده است.

این مجموعه در چهار بخش آماده شده است:

- چکیده سیاستی: رویکردهای نو به مسئله آب در دولت دوازدهم
- سولاتی برای پرسشگری جامعه
- خلاصه نشست
- نشست آب و رویکردهای نو در آغازکار دولت دوازدهم
- انعکاس نشست در رسانه‌ها

همچنین در پیوست شماره یک، خلاصه خبرهای مرجع منتشر شده در رسانه‌ها آورده شده است. از همکاری و مشارکت خانم آرزو عابدینی در پیاده‌سازی صحبت‌های نشست، آقای محمد ارشدی در تنظیم و تکمیل گزارش و آقای انوش نوری اسفندیاری در ویرایش این مجموعه بسیار سپاسگزاریم. شایان توجه است، مطالب در این گزارش بعد از نشست توسط سخنرانان اصلاح و پس از تایید نهایی آنها در این گزارش آورده شده است.

۲- چکیده سیاستی: رویکردهای نو به مسئله آب در دولت دوازدهم

• میدان عملی که کوچک‌تر می‌شود

به دلیل تحولات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی ناشی از رویکرد نادرست حاکم بر توسعه کشور، منابع آب در بعد کمیت و کیفیت به مرحله فوق‌العاده خطیر و سرنوشت‌ساز رسیده است. هشدارهای اولیه به بیش از دو دهه قبل بر می‌گردد و تکرار آن‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفت. با پیشرفت گام به گام «بحران آب» و بروز تبعاتش در کشور، «غفلت» در مواجهه با پیامدهای گسترده و غیر قابل چشم پوشی، آشکار شد. نمونه‌هایی از غفلت‌هایی که در مسئله آب صورت گرفته شامل:

- عبور از مدیریت عرضه آب به مدیریت تقاضای آب: عدم آمادگی و ایجاد زمینه‌های کنترل رشد شتابان و افسارگسیخته تقاضا برای آب و عدم تغییر جهت‌گیری مدیریت کلان توسعه کشور با ورود به دوران محدودیت آبی
- تعریف دقیق مسئله و شکل دهی یک بینش مسلط اجتماعی درست در حوزه آب که باعث فروکاستن مسئله آب به شبه مسئله یا آسیب و دنبال کردن راه‌حلهای ضربتی نشود
- در نظر گرفتن همه زیرسیستم‌های آب شامل سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی، اداری-حقوقی، سیاسی و طبیعی با دید فراگیر و یکپارچه در کنار سیستم طبیعی آب
- ایجاد بستر مناسب برای اجتماعی کردن آب و مشارکت گسترده مردم به عنوان مولفه ذاتی مدیریت آب به صورت متشکل و سازماندهی شده

برای ساماندهی وضعیت کنونی، نیازمند بازسازی حکمرانی آب و تجدید نظر کامل در شیوه‌های گذشته مدیریت آب همچنین اتخاذ رویکرد نو و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی هستیم. در صورتی که دولت بعدی بخواهد ادامه سیاست‌های گذشته را در پیش بگیرد، چهار مکانیزم محدودکننده خواهد داشت، اول گران‌تر شدن تامین آب اضافی، به لحاظ شرایطی که در عرضه تامین آب پیش آمده، برای تامین هر مترمکعب آب اضافی باید منابع مالی، اقتصادی و زیست محیطی بیشتری را صرف کند. هزینه مالی هر مترمکعب آب به قیمت ثابت امروز، برای سدهای نسل اول ۵۰ ریال هزینه داشت و امروز این مبلغ ۵۰۰۰ ریال است، یعنی ۱۰۰ برابر بیشتر، این رقم در سال ۷۵، ۱۷ برابر بوده است. این یک محدودیت بسیار بزرگ است. دومین مورد رشد مهار نشده تقاضا برای آب است، در تمام نقاط ایران برای دریافت آب بیشتر تقاضای بسیار زیادی وجود دارد. موضوع بعدی فشار فقر و نابرابری است که مقاومت می‌کند و محیط زیست را مورد تعرض قرار می‌دهد و چهارمین عامل هم دشوار شدن ارائه راه حل‌های جایگزین است.

• رویکردهای پیشنهادی برای دولت دوازدهم

ایجاد عزم سیاسی و ملی برای حل مسئله

اعلام یک دهه به عنوان همکاری ملی آب: در این دهه همه نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی با تمرکز بر مسئله آب به شناخت دقیق مسئله آب، دلایل بروز آن و راهکارهای ممکن برای خروج از آن تمرکز کرده و تا یک همکاری ملی فراگیر در این زمینه شکل بگیرد.

تقویت حس همدلی و گفت و گو، همبستگی و اجتماعی کردن مسئله آب: به این منظور، بازکردن درهای تصمیم‌گیری بر روی ذی‌نفعان و گرداران و گفت‌وگو درباره مسائل آب و رسیدن به توافق جمعی درباره شرایط و سیاست‌ها و نحوه اجرای آنها بسیار تعیین‌کننده است. باید برای آب در ایران، به عنوان مسئله اجتماعی و نه به عنوان آسیب اجتماعی، باب گفتگوی عمومی باز شود. تشخیص نحوه توزیع منافع حاصل از آب و تعدیل منافع گروهی و فردی در مسیر مصالح ملی از مولفه‌های کلیدی در ایجاد همکاری ملی محسوب می‌شود.

ایجاد بستر مناسب برای رسانه‌ها، نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی و فعال کردن ظرفیت بالقوه آنها: نگاه دولت به نهادهای مدنی و رسانه‌ها در ایجاد فهم مشترک در مسئله آب باید اصلاح شود و در این زمینه با تقویت نقش کنشگری و تسهیلگری خود در جلب مشارکت مردم و پرکردن شکاف بین دولت و ملت، سهم اصلی را برعهده بگیرد.

ایجاد نهادهای همکاری ملی

تعریف درست مسئله و توزیع مسئولیت‌ها: به دنبال رویکردهای نو، تلاش‌ها باید مبتنی بر توزیع صحیح مسوولیت‌ها با توجه به تنوع بخشی به سازوکارها باشد که بار سنگین این موضوع نیز برعهده دولت است. راهبرد جدید به لحاظ نظری باید گفت‌وگومحور و مبتنی بر آگاهی‌رسانی درست و حساس کردن جامعه باشد، به گونه‌ای که مردم بتوانند بتدریج سهم و نقش خود را پیدا کنند.

همکاری‌های بین‌رشته‌ای: تلقی از مسئله آب به مثابه «پدیده اجتماعی تام» مستلزم توجه به ابعاد گوناگون تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن و در نتیجه گسترش نگرش میان‌رشته‌ای برای یافتن راهکارهای برون‌رفت از مسئله کمبود آب و همکاری دانش‌آموختگان محیط زیست، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، علوم پایه و رشته‌های فنی و مهندسی است.

رویکردهای اقتصاد محور

توسعه روستایی و کاهش فقر: باید به این درک نائل شد که روستاییان و کشاورزان بیش از الزامات رعایت محدودیت‌های منابع طبیعی، تحت تاثیر مشکلات سرمایه‌گذاری، خطرات موثر بر برداشت محصول و علائم بازار قرار دارند. توسعه روستاها و ایجاد اشتغال مولد جایگزین برای روستاییان، ارتقای بهره‌وری آب در بخش کشاورزی و توسعه زنجیره ارزش تولید کشاورزی تا مصرف‌کننده، می‌تواند از نشانه‌های توجه به ریشه‌های ویژه و متفاوت مشکلات آب کشور تلقی شود.

بازسازی حکمرانی شرکت‌های کارگزاری بخش آب: عوامل انگیزشی اقتصادی شامل قیمت گذاری آب، نظام تعرفه و یارانه، آب و فاضلاب و آلودگیها، بازار آب، تسهیلات کم بهره و تدابیری که همزمان با تغییر ساختار شرکت‌های کارگزار باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، تغییرات ساختاری باید با توجه به رویکرد جامعه محور و حضور فعال بخش خصوصی، شفاف سازی، پاسخگویی و گردش آزادانه اطلاعات همراه باشد.

۳- سوالاتی برای پرسش‌گری جامعه

مطمئناً مهمترین مولفه برای تشخیص میزان تحرک‌پذیری یک جامعه قدرت پرسشگری و مطالبه‌گری آن جامعه است. طرح و پیگیری مطالبات مشخص و درست می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای ایجاد انگیزه در جهت تغییر باشد. این که جامعه در مقطع کنونی در حوزه آب با چه مسائلی روبرو هستند و چه مطالباتی می‌توانند داشته باشند، از موضوعاتی است که مشخص کردن آن می‌تواند نقطه ای برای جمع شدن حول آن باشد. یکی از برون‌دادهایی که به واسطه این نشست برای انتشار و تکمیل در حوزه عمومی مورد توجه قرار گرفت، سوالاتی در پنج حوزه بود.

• مسایل کلان آب

۱. چه جنبه‌هایی از مسائل آب کشور مورد غفلت قرار گرفته و نشانه‌های آن چیست؟
۲. چرا نظام تخصیص آب کشور قادر به رعایت حقایقها و حد برداشت مجاز از منابع آبی نیست؟
۳. چرا مسئله آب در کشور درست تعریف نمی‌شود؟
۴. دلایل رشد تقاضای آب و انتظارات، فراتر از امکانات آبی، در همه مناطق کشور چیست؟
۵. چه عواقب وخیمی در صورت ادامه سیاست‌ها و رویکردهای موجود در حوزه آب، در انتظار کشور است؟
۶. چرا بحران زوال کمی و کیفی منابع آب کشور توسط جامعه شهری حس نمی‌شود؟

• تهدیدات هیدروپولیتیکی و منازعات قومی

۷. چرا مسایل و مشکلات هیدروپولیتیکی ما با کشورهای همسایه شفاف مورد بررسی و بیان نمی‌شود؟
۸. روند این مسایل در آینده چگونه می‌تواند تغییر پیدا کند؟
۹. چرا با کمبود آب تهدیدهای هیدروپولیتیکی و اختلافات قومی تشدید می‌شود؟

• سیاست‌ها و راهبردها

۱۰. چرا گفته می‌شود رویکردهای دولتی و تفکر مهندسی قادر به حل مسئله آب نیست؟
۱۱. رویکردهای نو (جامعه‌محور و اقتصادمحور) در حوزه آب چرا و چگونه باید مورد توجه قرار گیرد؟

• آب و رویکردهای نو

۱۲. یادگیری اجتماعی چه جایگاهی در توسعه ظرفیت‌های تصمیم‌گیری درباره آب دارد؟ یا جامعه چگونه می‌تواند از طریق یادگیری اجتماعی مشارکت بهتری داشته باشد؟
۱۳. چرا رابطه فقر و نابرابری با مسئله آب در شرایط ایران باید شفاف شود؟

• بازساخت نظام حکمرانی آب

۱۴. آیا مردم فراتر از صرفه‌جویی‌های فردی، ظرفیت بیشتری در حل مسئله آب دارند؟
۱۵. چگونه با تغییر فرایندهای موجود (از بالا به پایین) می‌توان زمینه بهتری برای مشارکت مردم ایجاد کرد؟
۱۶. چگونه در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و سازماندهی می‌توان از مشارکت مردم استفاده کرد؟

۴- خلاصه نشست



نشست «آب و رویکردهای نو در آستانه آغاز کار دولت دوازدهم» با همکاری چهار نهاد انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، اندیشکده تدبیر آب ایران و خانه اندیشمندان علوم انسانی در دو بخش سخنرانی و گفت و گوی جمعی در تاریخ ۱۶ مردادماه سال ۱۳۹۶ در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در بخش سخنرانی، افراد مدعو به بیان نظرات و عقاید خود پرداختند.

عباسقلی جهانی: بدون توجه به فرآیند تاریخی تکوین مدیریت آب در کشور، حل مسائل کلان در این حوزه سخت است. بنابراین به صورت کوتاه، نگاهی به فرآیند تاریخی و غفلت‌های این حوزه خواهم داشت. مشکلی که در مدیریت منابع آب ایران همزمان با افزایش تقاضا رخ داد این بود که چند غفلت بزرگ تاریخی را در این دوره شاهد بودیم که نتیجه آن پیدایش وضعیت امروز است. با تغییر نظام مدیریت آب، دولت فعال مایشاء شد. در مدیریت آب تمام ساختارهای قبلی که متکی بر جوامع محلی بود کنار گذاشته شد. دولت‌ها فکر کردند که با برنامه‌ریزی تحکمی و متمرکز، با استفاده از پول و فناوری می‌توانند جوابگوی این توازن باشند. غفلت مهم دیگر این بود که تشخیص داده نشد در چه زمانی باید بسترهای مناسب برای مدیریت تقاضا ایجاد شود. ما برای مدیریت تقاضا برنامه نداشتیم. برای ساماندهی وضعیت کنونی، نیازمند بازسازی حکمرانی آب و تجدیدنظر کامل در شیوه‌های گذشته مدیریت آب و همچنین اتخاذ رویکرد نو و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی هستیم. اگر قرار

است ما غفلت‌های گذشته را جبران کنیم، ناچاریم نقشه راهی مبتنی بر یک دوره‌گذار ترسیم کنیم. نام این دوره را ریاضت آبی می‌گذارم. باید تلاش کنیم در این دوره که حداقل ۱۰ سال به طول می‌انجامد، با یک ملی و تجهیز نخبگان، تکنیسین‌ها و سرمایه‌های اجتماعی، بتوانیم برای عبور از این دوره برنامه‌ریزی کنیم و شرایط را به جایی برگردانیم که این اشتباه تاریخی از آن نقطه شروع شده است.

حجت میان‌آبادی: نخستین گام برای رفع مشکل آب ارائه تعریف مشترکی از آب است. هر سامانه آبی شامل ۴ زیرسیستم است؛ زیرسیستم طبیعی، اقتصادی و دفاعی، سیاسی و هیدروپولیتیکی و سازمانی و اداری که در ایران فقط زیرسیستم طبیعی دیده شده است. نگاه بخشی و جزئی‌نگر به مسائل و زیرسیستم طبیعی نادرست است. باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آب تفاوت قائل شویم، غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح‌های آب پذیرفته نیست اما نباید موضوع آب را امنیتی کرد. دولت، دانشگاه‌ها و مردم در این زمینه دخالت دارند و متأسفانه در هر ۳ گروه ضعف داریم. او تصریح کرد: می‌توانم اینگونه نتیجه‌گیری کنم که کمبود آب در دنیا ثابت شده است اما به معنای بروز جنگ آبی نیست. آب‌های مشترک هم باعث اختلاف و نیز باعث همکاری در کشورهای گوناگون شده‌اند.



هادی خانیکی: مشکل آب را فقط مسئله دولت یا دست‌اندرکاران اجتماعی نباید بدانیم، درگیر کردن جامعه، تبدیل آن به مسئله اجتماعی و جلب مشارکت نخبگان بخشی از راهکار است. سیاست بر پایه آب یعنی سیاست زندگی و آب منشأ زندگی است و این امر در کانون فرهنگ، هنر، جامعه و زندگی وجود دارد. تفکر مهندسی قادر به حل مسئله آب نیست، برنامه‌ریزی دولتی از بالا به پایین، تمرکزگرایانه و نادیده گرفتن نقش دیگران مهم‌ترین معضلات در این زمینه است. باید از رسانه‌ها به عنوان زمینه‌ساز فضای گفت‌وگو استفاده شود. بحران آب، بحران امنیت ملی،

توسعه ملی و منافع ملی است وقتی به این شدت بحران وسیع می‌شود ذی‌نفعان هم برای حل مشکل بیشتر می‌شوند بنابراین، در این عرصه باید نقش رسانه‌ها و نهادهای مدنی بیشتر دیده شود. از نگاه کارشناسان می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مشکل آب محصول جامعه‌ای است که حرف نمی‌زند یا لکنت زبان دارد و حکمرانانی که گوش شنوا ندارند. روش‌های ضربتی مانند انتقال آب از خلیج فارس یا استحصال آب از منابع جوی و... راه‌حل‌های نقطه به نقطه است که در سال‌های گذشته بیشتر به آنها توجه شد. جامعه ما در مخاطره است و اگر راهی برای جلب مشارکت نیابد، به سمت نابودی پیش می‌رود. دولت باید به نظرهای خرد و کلان نهادهای مدنی، شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌ها هم توجه کنند.

محمد امین قانعی‌راد: جامعه‌شناسی در نظام مدیریتی ایران بویژه در بخش آب ایران جدی گرفته نمی‌شود و حاکم بودن تفکر صرفاً مهندسی در بخش آب را دلیل بحران امروز آب در کشور است. بدون اجتماعی کردن مسأله آب، نمی‌توان راه حلی برای مشکل پیدا کرد. باید آثار اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی فعالیت‌های عمرانی در کشور به دقت بررسی شود، حفظ منابع حیاتی را یکی از اولویت‌های اصلی جامعه‌شناسان است. نقد ما به فعالیت‌های مهندسی نادیده گرفتن منابع حیاتی است. بسیاری از فعالیت‌های صنعتی و عمرانی کشور خاک و آب را آلوده کردند و همه عناصر چهارگانه که در گذشته مبنا و زیرساخت توسعه لحاظ می‌شد امروز تمام آنها در حال نابودی است. اینکه گفته می‌شود در شرایط نبودن اشتغال شعار محیط زیست نباید داد، بدترین شکل مسأله پردازی در کشور است و این شکل برخورد فقط نزاع بین جامعه مدنی، دولت و بازار را تشدید می‌کند. شرایط گفت‌وگو درباره آب با سیاسی شدن مسأله بسیار پیچیده شده است. ما برای حل مسأله آب نیازمند سرمایه اجتماعی چندگانه هستیم تا ذینفعان مختلف در مسأله آب را به یکدیگر پیوند بزنند. امروز مخالفت جامعه‌شناسان با طرح‌های توسعه، به مفهوم مخالفت با توسعه نیست بلکه مخالفت با ناپایداری طرح‌های توسعه است. هر طرح عمرانی و صنعتی باید یک پیوست آب داشته باشد و به کارشناسان فرصت مطالعه و اعلام نظر درباره طرح‌های عمرانی از طریق سایت وزارتخانه‌های مرتبط داده شود تا بتوانند نظرات شان را ظرف یک تا دو ماه اعلام کنند.

انوش نوری اسفندیاری: برای تداوم روند گذشته چهار مکانیسم محدودکننده داریم. مکانیسم اول قیمت تمام شده آب اضافی برای کشور است که بشدت رو به افزایش است. به لحاظ شرایط عرضه آب در کشور، برای تأمین هر متر مکعب آب اضافه هزینه زیادی از نظر اقتصاد و زیست محیطی باید پرداخت شود. هزینه تأمین هر متر مکعب آب برای سدهای نسل اول، ۵۰ ریال بود. این رقم در حال حاضر به پنج هزار ریال برای هر متر مکعب آب رسیده است. یعنی قیمت هر متر مکعب آب تنظیمی ۱۰۰ برابر شده است. این رقم در سال ۷۵، نسبت به هزینه تأمین آب سدهای نسل اول حدود ۱۷ برابر شده بود. دومین مکانیسم، رشد مهار نشده تقاضا برای آب است. سومین عامل، فشار فقر و نابرابری است که منجر به تعرض به محیط زیست شده است. بنابراین هیچ منطقی نمی‌پذیرد که سیاست‌های گذشته بدون پذیرش غفلت‌ها ادامه یابد و چهارمین عامل هم دشوار شدن ارائه راه‌حل‌های جایگزین است. حضور مردم در نهاد تصمیم‌گیری باعث ایجاد تحولات می‌شود بنابراین باید در مذاکرات، تفکیک منافع ایجاد کرد و با طرح صورت مسأله به صورت شفاف، فضا را برای به نتیجه رسیدن گفت‌وگوها فراهم کنیم.

در بخش گفت‌وگوی جمعی با طرح پرسش‌هایی از شرکت‌کنندگان، بحث و تبادل اندیشه‌ای بین سخنران و شرکت‌کنندگان صورت گرفت. سوالات بیشتر بر محور نحوه اجتماعی کردن آب، رویکردهای نو در آب و نحوه شکل دهی همکاریهای ملی بود.

۵- مشروح نشست آب و رویکردهای نو

در این قسمت مشروح مباحث و صحبت‌های صورت گرفته در این نشست آورده می‌شود. طبق برنامه ریزی صورت گرفته ابتدا اعضای پانل نظرات خود را در مورد شرایط کنونی آب کشور ارائه نمودند و سپس گفت‌وگویی جمعی با مشارکت شرکت‌کنندگان در نشست صورت گرفت. در ادامه مشروح صحبت‌های این نشست آورده شده است.

• عباسقلی جهانی



مسئله آب در ایران بسیار مسئله جدی است. رئیس‌جمهور در آیین تحلیف به مسئله بحران آب اشاره کرد. باید ببینیم برنامه‌ها برای خروج از بحران چیست و آیا نخبگان جامعه می‌توانند به این مسئله کمک کنند. بدون توجه به فرآیند تاریخی تکوین مدیریت آب در کشور، رویکرد برای حل مسائل کلان در این حوزه سخت است. بنابراین به صورت کوتاه، نگاهی به فرآیند تاریخی و غفلت‌های این حوزه خواهم داشت. می‌توان ۳ دوره مجزا برای مدیریت منابع آب کشور در نظر گرفت. دوره نخست فراوانی نسبی آب، دوره دوم مدیریت عرضه و دوره آخر، مدیریت تقاضا خواهد بود. مدتهاست

که از دوره فراوانی نسبی آب عبور کرده‌ایم. اگر مدیریت آب را در موضوع ایجاد تعادل و توازن در عرضه و تقاضا در نظر بگیریم، زمانی تقاضا بسیار کمتر از عرضه و توان شرایط طبیعی منابع آب بوده است. اوایل قرن جاری جمعیت کشور حدود ۱۵ میلیون نفر بود. در آن روزها، سرانه منابع آب تجدید پذیر حدود ۸ تا ۹ هزار متر مکعب برای هر نفر در سال بود. با عبور از این دوره و افزایش تقاضا برای آب، بحث مدیریت عرضه بیشتر آب منطبق بر توزیع زمانی نیازها مطرح شد. در این دوره سامانه‌های قدیمی پاسخگوی تقاضای افزوده شده برای آب نبود. به همین دلیل تحولی در مدیریت آب رخ داد و دولت‌ها وارد ماجرا شدند. دولت‌ها در این دوره برای تامین آب نیازمند سرمایه‌گذاری و فناوری پیچیده بودند و پاسخگویی به نیازها به شکل گذشته امکان پذیر نبود.

همزمان با افزایش تقاضا برای آب چند غفلت بزرگ تاریخی را در این دوره شاهد بودیم که نتیجه آن پیدایش وضعیت امروز است. با تغییر نظام مدیریت آب، دولت فعال مایشاء شد. در مدیریت آب تمام ساختارهای قبلی که متکی بر اثرگذاری جوامع محلی بود کنار گذاشته شد. دولت‌ها فکر کردند که با برنامه‌ریزی تحکمی و متمرکز، با استفاده از پول و فناوری می‌توانند جوابگوی این توازن باشند. بنابراین این غفلت موجب شد بدون توجه به شرایط

و به هم خوردن توازن و اشتراک مردم و بهره‌برداران، شکل جدیدی از مدیریت آب در کشور ایجاد شود که در پول، فناوری، برنامه‌ریزی متمرکز و تحکمی از بالا به پایین خلاصه می‌شد. دولت‌ها باتکای پول و منابع مالی با رویکرد مدیریت هزینه، به طور سرسام‌آوری کارهای سازه‌ای را بدون توجه به مرز و سقف منابع آبی قابل مهار در دستور کار خود قرار دادند. در واقع ما برای مدیریت تقاضای هوشمند برنامه ای نداشتیم .

ما در حالی که می دانستیم امکانات عرضه آب از طریق مدیریت عرضه، با توجه به ظرفیت منابع آبی کشور محدود است متأسفانه برای گذر از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضا برنامه مدونی نداشتیم. برای ورود به دوره مدیریت تقاضا این طور نیست که امروز تصمیم بگیریم و از فردا به مدیریت تقاضا و کنترل مصرف برسیم. باید دانست که در دوره‌ی مدیریت عرضه پول و تکنولوژی حاکم بود اما در مدیریت تقاضا مردم و مشارکت مردم و استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی حرف اول و آخر را می‌زند. اگر ما برای این دوره گذر اقدامات لازم را انجام داده بودیم، می‌توانستیم آمادگی‌های لازم برای این گذر تاریخی فراهم نماییم. ولی واقعیت این‌گونه نیست. ما سوار قطار شدیم و قطار از ایستگاه رد شده و هنوز متوجه نیستیم که اکنون برگشتن به ایستگاه قبلی یا بسیار دشوار است و یا با هزینه‌های بسیار زیادی امکان‌پذیر می‌باشد.

درواقع ما در بخش مدیریت آب کشور هیچ‌گونه بستر مناسبی برای این گذر تاریخی که اصل اساسی آن استفاده از سرمایه‌های اجتماعی برای کنترل تقاضا است نداریم و هیچ‌گونه اقدام ملموسی برای آن انجام نداده‌ایم. اگر شما به بخش‌های مختلف برنامه‌های وضع موجود و بودجه‌های سالانه توجه کنید خواهید دید که ۹۷ درصد فعالیت‌ها و اقدامات در عرصه‌های مدیریت عرضه‌ی آب انجام می‌شود. طبیعی است که با این شرایط، ما بخش بزرگی از زمان و این فرصت‌های تاریخی گذر را از دست داده‌ایم. بازگشت به دوره‌ای که به دنبال آن هستیم نیازمند بازسازی حکمرانی آب، تجدید نظر کامل در شیوه‌های گذشته‌ی مدیریت آب، اتخاذ رویکردهای نو متکی بر مشارکت‌ها و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی است.

برای تحقق این امر ما قادر به جلو رفتن با شیوه‌های گذشته نیستیم. ما باید غفلت‌های گذشته را جبران کنیم و در این مسیر ناچار به طراحی نقشه‌ی راه مبتنی بر یک دوره‌ی گذار هستیم که برخی نام آن را «دوره‌ی ریاضت آبی» گذاشته‌اند. باید تلاش کنیم در این دوره‌ی تقریباً ۱۰ ساله که در اینجا با عنوان «یک دهه همکاری ملی» نامیده شده، با تجهیز عزم سیاسی، جوامع مدنی، استفاده از سرمایه‌های اجتماعی، نخبگان، تکنسین‌ها و... این دوره‌ی گذار را طی کنیم. باید توجه داشت که بعد از این ۱۰ سال تازه به شرایطی می‌رسیم که این نقطه و اشتباه تاریخی از آنجا شروع شده بود. در ادامه‌ی بحث‌ها اگر فرصتی فراهم شد درمورد ویژگی‌های این دوره‌ی گذار و چارچوب‌های آن مطالب لازم ارائه خواهد شد.

• **حجت میان آبادی**

من سال‌های سال هست که تمام تلاش خود را روی این گزارده‌ام که با همفکری دانشگاهیان و اساتید بزرگوار دانشگاه و به خصوص سیاست‌گزاران و سیاست‌مداران آب ابتدا بر این مسأله تمرکز نماییم تا ابتدا بدانیم که آب چیست؟ و پس از آن بتوانیم در مورد رویکردهای مدیریت آب صحبت و سخن بگوییم. آب ترکیبی از یک سیستم

درهم‌تنیده‌ی طبیعی و انسانی است. متأسفانه در دهه‌های اخیر در کشور ما غفلت بسیار عجیب و معنادار علوم انسانی برای توجه جدی و ورود به مسائل منابع آب شکل گرفته و لذا برگزاری این نشست در خانه‌ی اندیشمندان علوم انسانی واقعا جای بسی تقدیر دارد. امید که این شروع، نقطه‌ی عطفی باشد برای ورود بسیار جدی‌تر علوم انسانی به مسائل و مشکلات منابع آب.

سالیان سال است که در تلاش هستیم که اساتید مختلف علوم انسانی را توجه کنیم تا به مسائل منابع آب ورود پیدا کنند. یکی از اتفاقات بسیار مهمی که در دهه‌های اخیر برای منابع آب کشور ما رخ داده، توجه ناقص و جزئی‌نگری به مسائل کلان منابع آب و غفلت از بعد بسیار مهم و اثرگذار علوم انسانی در مسائل آب و توجه افراطی و نگاه کاریکاتور وار به این مسئله و نگاه صرفاً مهندسی است. با نگاه صرفاً مهندسی



به منابع آب رویکرد ما از بین رویکردهای متعدد منابع آب، صرفاً بر مدیریت عرضه متمرکز خواهد شد. لذا برای اصلاح رویکرد خود نسبت به مسائل آب در کشور، ابتدایی‌ترین و اولین قدم «تعریف مشترک و واحد» از آب است. بسیاری از تعاریف آب در دانشگاه‌های ما و طرح‌های کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور ناقص و یا غلط هستند. بنابراین سوال کلیدی، ساده و بنیادین ما این است که آب چیست؟ اگر بتوانیم این سوال را به‌درستی پاسخ دهیم بسیاری از اختلافات و مسائل و مشکلات منابع آبی کشور قابل حل خواهند بود.

بطور کلی یک سیستم آبی متشکل از چهار زیرسیستم است:

- ✓ یک: زیرسیستم طبیعی.
- ✓ دو: زیرسیستم اقتصادی و اجتماعی.
- ✓ سه: زیرسیستم سازمانی، اداری و حقوقی.
- ✓ چهار: زیرسیستم سیاسی و هیدروپلیتیک.

برای مطالعه‌ی یک سیستم منابع آب لازم است این چهار زیرسیستم به‌طور همزمان مدنظر قرار گیرد. اگر شرایط آبی کشور را در چهار دهه‌ی اخیر بررسی کنیم، تقریباً به‌خوبی ملاحظه می‌کنیم که وضعیت منابع آب در کشور ما بهتر نشده است. اما چرا؟ چرا ما سالیانه بیش از هزاران میلیارد تومان بودجه صرف مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب در کشور می‌کنیم اما وضعیت ما اگر نگوئیم بدتر نشده است بلکه در بسیاری از موارد بهتر نیز نشده است؟ یکی از مهمترین دلایل، نگاه بخشی و جزئی‌نگر به مسائل و توجه جزئی به زیرسیستم طبیعی است. ما فراموش می‌کنیم که آب متشکل از چهار زیرسیستم است و تنها با مطالعه و تأکید بر زیرسیستم مهندسی، ادعای مدیریت و برنامه‌ریزی آب را داریم.

برای روشن شدن موضوع، تعریف مختصری از زیرسیستم هیدروپلیتیک و علم هیدروپلیتیک ارائه می‌کنم. هیدروپلیتیک به‌مانند حقوق آب قدمتی ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ساله و تعاریف متعددی دارد. تاکنون تعاریف مختلفی برای علم هیدروپلیتیک ارائه شده است. برای مثال برخی هیدروپلیتیک را «مطالعه سیستماتیک طبیعت و هدایت تنش‌ها

و همکاری ها بین کشورها در زمینه منابع آب مرزی“ تعریف کرده‌اند. برخی دیگر نیز هیدروپلیتیک را علم مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های انجام شده در زمینه استفاده از منابع آبی، در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط بین کشورها و یا روابط بین دولت ها و مردم می‌دانند. و به طور کلی هیدروپلیتیک را علم بررسی و مطالعه نقش آب در مناسبات جوامع و دولت ها و ملت ها، در داخل کشورها و یا در مقیاس بین‌المللی معرفی کرده‌اند. اما این تعاریف ناقص هستند و اشکال عمده آنها آن است که به صورت یک جانبه و یا محدود به بحث آب و اثرات آن بر سیاست می‌پردازند. بنا بر تعریف پیشنهادی ما، می‌توان هیدروپلیتیک را علم بررسی و مطالعه نقش و اثرات منابع آب بر مناسبات سیاسی جوامع و دولت ها (در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی) و همچنین اثرات مناسبات سیاسی جوامع و دولت ها در سطوح مختلف بر منابع آب و محیط زیست دانست. بدون شک، این رابطه هم غیرخطی و هم دینامیک (پویا) است.

نمونه‌ی بارز موضوع هیدروپلیتیک، اختلافات کشور ما با افغانستان بر سر آب است. به این معنا که آب باعث اختلافات سیاسی میان ما و افغانستان شده است. از طرف دیگر، اقدامات سیاسی و بلندپروازی‌های سیاسی ترکیه نیز بر مسائل آب و محیط زیست ایران و منطقه اثرگذار بوده و هست. ابعاد سیاسی و هیدروپلیتیکی طرح‌های انتقال آب، مثال دیگریست. مجموع این موارد هیدروپلیتیک نامیده می‌شود که تعریف آن ابعاد داخلی و بین‌المللی دارد. با این تعریف اجمالی از هیدروپلیتیک، در ادامه‌ی نشست به سوالات مربوط به چالش‌های هیدروپلیتیکی ایران و دیپلماسی آب ایران پاسخ خواهم داد.

لذا وقتی ما در مورد تهدیدات هیدروپلیتیکی ایران و چالش‌های آن صحبت می‌کنیم باید دقت کنیم که مسائل هیدروپلیتیکی ایران به دو دسته‌ی مسائل داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. من در دو نشستی که مرکز بررسی‌های استراتژی ریاست جمهوری برگزار شد به طور کامل تهدیدات هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب ایران و فضای منطقه‌ای ایران را شرح دادم و در نشست دیگری در مورد ابعاد سیاسی و امنیتی رویکردهای غلط سیاست‌گذاری آب در ایران، ابعاد داخلی را واکاوی کردم.

نگرانی کنونی ما این است که ما (منظور مسوولان و سیاستگذاران هستند) باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آب تفاوت قائل شویم. مطمئناً مسائل آبی چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی دارای ابعاد امنیتی هستند. لذا غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح‌ها و سیاست‌ها و رویکردهای منابع آب پذیرفته شده نیست. اما این مسئله به معنای امنیتی کردن آب نیست. شما اخبار گوناگونی در رابطه با امنیتی شدن مسئله‌ی آب می‌شنوید. نگاه بسیار خطرناکی که ما را به سمت واکاوی تفاوت بین ابعاد امنیتی و امنیتی کردن مسئله آب سوق می‌دهد.

نکته مهم و مغفول مانده دیگر آنست که وقتی از دیپلماسی آب صحبت می‌کنیم اشتباه است که دیپلماسی آب را به معنای مذاکره و گفتگوی آب محدود می‌کنیم. مذاکرات آبی و گفتگوهای آبی یکی از ابزارهای دیپلماسی آب است و اما لزوماً به معنای کامل دیپلماسی آب نیست. لذا وقتی که ما به دیپلماسی آب علمی و جامع نگاه می‌کنیم ملاحظه می‌کنیم که ابزارها و رویکردهای متعددی برای دیپلماسی آب تعریف شده و پیاده می‌شوند. اما در این خصوص لازم است در دیپلماسی آب ابتدا رویکرد خود را با توجه به شرایط مختلف در کشورهای همسایه، در

عرصه‌ی بین‌الملل و داخل تعریف کنیم. متأسفانه ما مجدداً در مسائل دیپلماسی آب دچار بخشی‌نگری شدید هستیم که به این تعریف خدشه وارد می‌کند.

یکی از سوالاتی که در این نشست مطرح شده است این است که چرا مسائل و مشکلات هیدروپلیتیکی ما با کشورهای همسایه شفاف بیان نمی‌شود؟ چون بین امنیتی کردن آب و ابعاد امنیتی آب باید تفاوت قائل نیستیم. سوال بعدی این است که روند این مسائل چگونه است؟ پاسخ سریع و خلاصه آنست که آینده به طور کامل بستگی به رویکردی دارد که سه گروه دولت و دانشگاه و جوامع مدنی در آینده انتخاب خواهند کرد. ما اکنون به غلط از جنگ آب نام می‌بریم. ما فعلاً چیزی به نام جنگ آب به معنای واقعی نداریم. در دنیا تنش نظامی بر سر آب رخ داده است ولی مطالعات نشان داده که تا کنون جنگ مستقیمی بر سر آب رخ نداده است. اینکه ما به غلط روابط خود را با افغانستان یا ترکیه به جنگ آب تعبیر کنیم، خطاهای استراتژیک ماست که تبعات منفی به بار خواهد آورد. لذا وضعیت ما کاملاً به خود ما و این سه گروه بستگی دارد.

سوال بعدی مطرح شده آنست که چرا با کمبود آب، تهدیدات هیدروپلیتیکی و اختلافات قومی تشدید می‌شود؟ من این سوال را مفصل در همایش بین‌المللی بحران بی‌آبی که اخیراً در تهران برگزار شد پاسخ دادم. باید دقت کرد کمبود آب هرگز به معنی جنگ آب نیست. جنگ آب یک گزاره‌ی غلط علمی رایج شده است. من عرض می‌کنم که مطالعات مکرر ثابت شده است که در برخی مناطق، کمبود آب نه تنها باعث جنگ آب نشده بلکه در مواردی مشارکت آبی نیز به بار آورده است که ان شاء الله در فرصت دوم جواب این پرسش‌ها را مفصل‌تر بیان خواهم کرد.

• هادی خانیکی

ما نشست‌های آب، فرهنگ، جامعه را با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران در دوره‌ی ریاست دکتر قانع‌ی راد، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات که من مسئولیت آن را دارم و اندیشکده تدبیر آب ایران برگزار کردیم. در این نشست‌ها که حدود چهار سال پیش آغاز شد تصمیم داشتیم بدانیم مشکلات مسئله آب کجاست؟ چه کسانی در آن مقصرند و چطور می‌توان آن را بهبود داد؟



اما چرا امروز با این فوریت و ضرورت اینجا حاضر شدیم؟ به این دلیل که دولت دوازدهم در آستانه‌ی تشکیل است و فکر کردیم بهتر است آنچه را طی مدتی دریافتیم در ابتدای کار به دوستان دولت منتقل کنیم و ببینیم آیا این امکان فراهم است که دانسته‌هایمان را به گوش حکمرانان و سیاست‌گذاران و مسئولان امر برسانیم و با هم راه‌حلی بیابیم؟ اگرچه تابستان است و دانشگاه‌ها و انجمن‌های

علمی به‌عنوان بهترین میدان سخن بسته هستند، اما این زمان را انتخاب کردیم و از خانه‌ی اندیشمندان علوم انسانی سپاسگزاریم که به جمع ما پیوسته تا این سخن از طریق رسانه‌ها به گوش همگان برسد.

در پاسخ به سوالاتی که در این نشست برای من در نظر گرفته شده باید اعلام کنم من راه حل مسئله‌ی آب را درگیر کردن جامعه، تبدیل آن به یک مسئله‌ی اجتماعی و جلب مشارکت عموم شهروندان و نخبگان می‌دانم. به گونه‌ای که مسئله‌ی آب دیگر تنها مسئله‌ی دولت، مهندسان و دست‌اندرکاران علوم اجتماعی نباشد. تجربه‌ی من در ایران حاکی از آن است که نباید خیلی به سیاست‌ها و راهبردهای کلان فکر کنیم. پرداختن به سیاست‌ها و راهبردهای مسئله‌محور و تمرکز بر مسئله برای ما بهتر است. آنچه مورد نیاز ماست، سیاست مبتنی بر آب و برپایه‌ی آب است که به معنای سیاست زندگی است. من برای پاسخ خود از نگاه معرفت‌شناسانه و تاریخی بهره می‌برم.

ما مسلمانان معتقدیم آب منشأ زندگی است. در لوگو سازمان آب زمان پهلوی نیز آیه‌ی «و من الماء کل شیء حی» وجود داشت. در دولت مرحوم مصدق این مسئله بر تارک وظایف سازمان آب گنجانده شده بود. بنابراین پیگیری سیاست آب به معنای سیاست زندگی است و سیاست زندگی عموم را به مداخله و مشارکت و دوری از خشونت و یک جانبه‌گرایی و تک‌وارگی دعوت می‌کند. به این شیوه مسئله‌ی آب به مسئله‌ای که در متن همه‌ی عرصه‌های زندگی وجود دارد تبدیل خواهد شد و در کانون سیاست، فرهنگ، اقتصاد و هنر وجود خواهد داشت. به تجربه می‌گویم که قرار داشتن در کانون به معنای ترساندن و ایجاد وحشت و خطر در مورد آب نیست. گاه گمان می‌رود با ترساندن جامعه از اینکه در معرض نابودی هستیم، مشارکت ایجاد خواهد شد. اما تجربه‌های اجتماعی و ارتباطی نشان می‌دهد که گاهی این ایجاد ترس منجر به عدم مشارکت شده است.

حاصل فعالیت‌های ما در نشست‌های آب، فرهنگ، جامعه این بود که حداقل در انجمن‌های علمی و نهادهای مدنی که چیزی جز اندیشه و عشق ندارند، دانشجویان علاقه‌مندی در مقاطع ارشد و دکتری و حتی به صورت میان‌رشته‌ای رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی را بر اساس این نشست‌ها انتخاب کردند. یکی از دانشجویان که مطالعه موردی خود را در کرمان انجام می‌دهد به این نتیجه رسیده که اتفاقاً طرح شعارها و مباحث نگران‌کننده منجر به عدم مشارکت شده است. انداختن گناه بی‌توجهی به آب بر دوش گروهی خاص مثل دولت، جامعه، شهر، روستا، متخصصان، عامه و... نیز سیاست درستی برای جلب مشارکت نبوده است. متقابلاً اگر به دنبال رویکردهای نو هستیم، لازم است این رویکردها مبتنی بر توزیع مسئولیت باشند. البته حتماً بار سنگین این مسئولیت به عهده‌ی دولت خواهد بود ولی این موضوع از بار رسانه‌ها و نهادهای مدنی نمی‌کاهد.

راهبرد جدید به لحاظ نظری گفتگو محور است؛ به معنای مبتنی بودن بر آگاهی‌رسانی و حساس کردن جامعه به گونه‌ای که سهم و نقش خود را پیدا کند. پس اگر گفته می‌شود رویکردهای دولتی و تفکر مهندسی قادر به حل مسئله‌ی آب نیستند، به معنی نادیده گرفتن نقش دولت یا مهندسان نیست. مهمترین نقص برنامه‌ریزی دولتی این است که برنامه‌ریزی عمودی، از بالا به پایین و تمرکزگرایانه است که در این صورت نقش دیگران نادیده گرفته می‌شود.

اگر ما به عنوان شاهد همه‌ی جلسات گذشته دولت را نقد کنیم خواهیم گفت که دولت ما را جدی نگرفت و حرف‌های ما را نشنید. در عوض به برنامه‌های جذاب و پر هیمنه مثل آوردن آب از دریای عمان و خلیج فارس، انتقال آب به روش‌های ضربتی و شتاب‌زده، کشف آبهای ژرف و امثال اینها پرداخت که راه‌حل‌هایی کوتاه‌مدت و نقطه‌ای بودند و به قاعده‌ی گفتگو و جلب مشارکت توجهی نداشتند.

دغدغه‌ی کاهش آب مانند بسیاری از دغدغه‌های دیگر نشان می‌دهد که ما در جامعه‌ای در مخاطره و ریسک هستیم. چنین جامعه‌ای از طرفی می‌تواند برای رهایی خود با جلب مشارکت دیگران راهی بیابد و از طرف دیگر ممکن است به سمت نابودی و خطرات بیشتر حرکت کند. اما اگر به گونه‌ای باشد که همه با هم ببینیم، دولت خود را بالاتر از جامعه نیندازد، به راه‌حل‌های فوری و نمایشی از بالا به پایین توجه نکند و به حرف‌های خرد و کوچکی که توسط نهادهای مدنی و نخبگان و شبکه‌های اجتماعی زده می‌شود بها دهد می‌توان این خطر را به یک فرصت تبدیل کرد. در ادبیات سیاسی یک جمله‌ی تجربه‌شده‌ی معروف داریم: ضربه‌ای که ما را نابود نکند، باعث رشد ما خواهد شد. اگر گفتگو، مشارکت، نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی دیده شوند و عزم ملی با مشارکت همگان برای مسئله‌ی آب شکل بگیرد، این تجربه برای ما نیز صادق خواهد بود.

• محمدامین قانعی راد:

هنگامی که می‌گوییم باید بدانیم آب چیست، یعنی آنچه زندگی ما را تعیین می‌کند هنوز برای ما ناشناخته است. چرا مسئله‌ی آب در کشور درست تعریف نمی‌شود؟ ما به‌عنوان انجمن جامعه‌شناسی ایران به این کار ورود کردیم، انجمن مطالعات فرهنگی با ما همراه شد و با کمک اندیشکده تدبیر آب ایران خود را وسط این بازی انداختیم درحالی‌که کسی ما را به بازی دعوت نکرده بود. تنها حمایت جامعه مدنی و دغدغه‌های فردی و شخصی و نهادی به ما کمک کردند.



برای پیش‌برد کار نیز همانطور که اشاره شد، ۱۵ نشست آب، فرهنگ، جامعه و یک همایش بزرگ ملی با موضوع منابع طبیعی، آب، محیط زیست و جامعه برگزار کردیم اولین و بزرگ‌ترین همایش ملی بود که با دید جامعه محور به مسئله‌ی آب می‌پرداخت. نهادهای مسئول آب کشور نیز یک ریال برای برگزاری این همایش به انجمن جامعه‌شناسی کمک نکردند. جز اینکه در جلسات ما شرکت داشتند و در نهایت ما را نخودی می‌انگاشتند.

جامعه‌شناسی در این کشور دیرزمانی است که نخودی محسوب می‌شود و وقتی گفته می‌شود تفکر مهندسی قادر به حل مسئله‌ی آب نیست، به همین دلیل است که بدون توجه به آب به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی و بدون اجتماعی کردن مسئله‌ی آب قصد حل آن را دارند. لازم است ما مسئله‌ی آب را به‌صورت جامعه‌شناختی ببینیم.

جا دارد که در اینجا گله کنیم از دولت یازدهم زیرا آنطور که انتظار می‌رفت به جامعه مدنی و انجمن‌های علمی در این عرصه توجه نکردند، ظرفیت‌های آنها را نادیده گرفتند و به بسیج کردن آنها فکر نکردند. ما خودمان بدون تقاضا شروع به سخن گفتن کردیم و باعث ناراحتی آقایان شد. اکنون باید دانست که بسیاری از افراد نخبه و دانشگاهی بدون تقاضای ملی صحبت نمی‌کنند و فرصت‌ها در حال از دست رفتن است. تقاضای ملی در دولت یازدهم کم بود و اکنون ما نگران این هستیم که در بر همان پاشنه‌ی پیشین بچرخد. یعنی وضعیت قبل تداوم یابد و انجمن‌های علمی و جامعه مدنی به‌عنوان نهادهای کم‌توقع و کم‌انتظار اما صاحب ایده و اندیشه در این عرصه نادیده گرفته

شوند. انتظار جامعه مدنی و انجمن‌های علمی این است که در جلسات کارشناسی دعوت شوند، با آنها تعامل شده و نظرات آنها جدی گرفته شود.

این روزها دائم صحبت از این است که میلیارد میلیارد بودجه هزینه‌ی پروژه‌های عمرانی می‌شود و به مهندسين می‌رسد. پس به ما حق بدهید که از بعد حرفه‌ای با مهندسين زاویه داشته باشیم. نظر ما این است که حداقل ده درصد از بودجه‌ها صرف مسائل جامعه‌شناسی شود و حالا ۹۰ درصد باقی مانده به پروژه‌های عمرانی و مهندسين برسد. ولی این اتفاق نمی‌افتد. متأسفانه در دوره‌ای هستیم که منابع مادی بر منابع حیاتی اولویت دارد و نگاه مهندسی این شرایط را ایجاد کرده است. البته من باور دارم که مهندسی یکی از عرصه‌های گشایش روح انسانی است. اما مهندسين ما نیز به جای مهندس، مدیر هستند. بنابراین نگاه اولویت منابع مادی بر منابع حیاتی غالب شده است. به همین سیاست زندگی بر پایه‌ی آب دقت کنیم. یعنی ما قصد زندگی داریم و منشأ حیات هم در آب قرار داده شده است. نه تنها ما، بلکه درختان و حیوانات نیز قصد زندگی دارند. ولی وقتی همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی به سمتی پیش می‌رود که خاک و آب و هوا را آلوده می‌کند و عناصر اربعه‌ی منشأ زندگانی را نابود می‌سازد، امکان زندگی برای ما وجود نخواهد داشت.

من هشدار می‌دهم که ممکن است بی‌عنایتی نسبت به محیط زیست تحت عنوان بحران آب صورت گیرد کما اینکه نشانه‌هایی از این قضیه را هم می‌بینیم. گفته می‌شود ۹۵ درصد آبها را بخش کشاورزی مصرف کرده که فاقد ظرفیت‌های تولید و اشتغال است. به عنوان مثال همین اتفاقی که برای افتتاح یک پروژه‌ی پتروشیمی در جنوب کشور افتاد، گفته شد برای تولید یک کیلوگرم خرما ۲۳۰۰ لیتر آب لازم است و قیمت آن ۳۰۰۰ تومان تمام می‌شود. پس چرا به جای چنین فعالیت‌های کشاورزی کم‌بازده‌ای که یک اقتصاد فقیرانه برای کشور ایجاد کرده‌اند و پاسخ‌گوی تولید و اشتغال هم نیستند از پروژه‌های صنعتی استفاده نکنیم تا به سمت ایجاد ظرفیت تولید و اشتغال برویم؟

در انتخابات اخیر مسئله‌ی پتروشیمی و بحث اشتغال‌زایی ۲۰۰ هزار نفری و ۴۰۰ هزار نفری از طریق آن مطرح شد. این موضوع در آن زمان برای من شعاری انتخاباتی و حرکتی پوپولیستی بود. اما امروز اسم آن را پتروشیمیایی کردن اقتصاد کشور می‌نامم که نمود و نشانه‌ی آن را در حادثه‌ی چهارم مرداد در بخش آب پخش شهرستان دشتستان استان بوشهر شاهد بودیم که وزیر محترم برای افتتاح مجتمع پتروشیمی‌ای در آنجا حضور یافتند که فاقد مجوز زیست محیطی بود. حال این سوال مطرح است که چگونه وزیر یک کشور به خود اجازه می‌دهد بدون دریافت مجوز زیست محیطی، یک طرح پتروشیمی را با عوارض محیط زیستی بسیار وسیع افتتاح کند؟ آیا جز این است که ایشان خود را در زیر شعار تولید و اشتغال پنهان کرده و این روش پوپولیستی را پیش گرفته است؟ آیا لازم است مردم عادی به آقای وزیر گوشزد کنند که چنین پروژه‌ای نیاز به مجوز زیست محیطی دارد؟ منابع آب این پروژه از کجا می‌شود؟ پساب‌های این مجتمع در کجا تخلیه می‌شود و به کجا رانده می‌شود؟

ما امروز اخبار وحشتناکی داریم از اینکه هیچ‌یک از صنایع پتروشیمی عسلویه دارای تأسیسات تصفیه پساب مستقل نمی‌باشند. تنها مجتمعی به نام مبین دارای این تأسیسات است و بقیه‌ی مجتمع‌ها پساب‌های خود را برای تصفیه به آنجا می‌فرستند. به دلیل تقاضای زیاد و تأسیسات کم در مجتمع مبین، پساب با کیفیت بسیار پایینی تصفیه می‌شود و

با قابلیت سرطان‌زایی بسیار زیاد، در محیط زیست رها شود. حتی اگر قبول داشته باشیم که بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت مصرف آب بیشتری دارد، اما باید بدانیم که بخش صنعت قدرت بسیار بالایی در ویران‌سازی منابع آبی دارد. در بخش کشاورزی در صورتی که از سم‌پاشی و کودهای شیمیایی استفاده نشود، آب آبیاری محصولات در زمین فرو می‌نشیند و امکان ورود مجدد به سفره‌های زیرزمینی را می‌یابد. اما صنایع پتروشیمی حتی اگر آب و خاک هم رقیق شوند، شدیداً دارای خاصیت آلوده‌کنندگی هستند. با این اوصاف ما شاهد حرکت از یک نوع اقتصاد کشاورزی به اقتصاد پتروشیمیایی خواهیم بود.

اولویت ما براساس اسناد بالادستی اولویت بخش کشاورزی است که به تدریج به اولویت بخش پتروشیمی تبدیل می‌شود. به این دلیل که مثلاً در سند پتروشیمی آمده ایران باید تولیدکننده‌ی اول محصولات پتروشیمی در منطقه باشد. بر این اساس ساده‌ترین راه‌حل‌ها توسط مسئولین انتخاب شده است. در حادثه‌ی بوشهر که پیشتر ذکر شد، صاحبان صنایع مطرح کردند که محصولات پتروشیمی در مقایسه با کشاورزی دارای مصرف آب کمتری هستند. اینطور توضیح داده شد که اگر یک تن آبزیان را شکار کنید ۹۰۰ کیلو اتلاف دارد و فقط ۱۰۰ کیلو آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و زندگی آبزیان نیز از بین خواهد رفت. در خصوص کشاورزی هم استدلال صاحبان صنایع این بود که کشاورزی قابلیت اشتغال و تولید ندارد. باید توجه داشته باشیم که این استدلال‌های ساده ما را به سمت خداحافظی با اقتصاد نخلستان و کشاورزی و صیادی و جایگزینی صنعت با آنها نبرد. ما می‌توانیم همه‌ی اینها را داشته باشیم ولی بدانیم که با مقوله محیط زیست مواجه هستیم.

صاحبان صنایع بر ایجاد ۲۰۰ هزار شغل به ازای تولید میلیون تن محصولات پتروشیمی تأکید می‌کنند. اما من گزارشات کارشناسان را مطالعه کرده‌ام و می‌دانم اگر پتروشیمی قادر به تولید یک میلیون تن محصولات پایین‌دستی باشد، تنها ۲۰۰ هزار شغل ایجاد خواهد شد. آن هم در صورتی خواهد بود که این مقدار تولید مربوط به مواد اولیه‌ی پلیمری باشد و به در بازار رقابت قابلیت صادر شدن به کشورهای دیگر را داشته باشد.

سال ۱۳۸۸ مصوبه‌ای برای مبادله‌ی محصولات پتروشیمی در بورس تصویب شد. سال ۱۳۹۴ زمزمه‌های این مبادله در بازار آزاد شنیده شد. بر اساس گزارشات کارشناسی این موضوع سالیانه ۷۰۰ میلیارد تومان رانت ایجاد می‌کند و گروه‌هایی که حواله‌های این مبادله را را به بهانه‌ی اشتغال‌زایی دریافت می‌کنند از این سود بهره‌مند می‌شوند. در این زمینه دعوای بسیاری مابین اقتصاد سنتی و مدرن ایجاد شده است. در اقتصاد مدرن این سود شامل کسانی می‌شود که پتروشیمی را کالایی تجاری و قابل مبادله می‌بینند که در آن دلالتی صورت می‌گیرد. اما در اقتصاد سنتی افراد معتقدند لازم است از پتروشیمی تولید صورت گیرد. منازعات جامعه مدنی با دولت در اینجا شکل می‌گیرد که نمونه‌ی آن قضیه‌ی ۴ مرداد در بوشهر بود. یکی از مسئولین منطقه‌ای این استان اعلام کرد کسانی که تا دیروز دنبال فساد بودند اکنون از محیط زیست حمایت می‌کنند و این نگاه بسیار منفی و بد بود. متأسفانه چنین قضاوت‌هایی این طور القا می‌کند که دغدغه‌ی محیط زیست ژست‌های شیکی ست که عده‌ای به آن دچارند. اما چرا باید اینگونه بیندیشیم وقتی زندگی روزمره‌ی ما با محیط زیست گره خورده است؟ با این افکار، بحران روز به روز بغرنج‌تر می‌شود.

در این شرایط نوعی گفتگوی اجتماعی در حال شکل‌گیری است. این چیزی است که ما به‌عنوان جامعه‌شناس دنبال آن هستیم و فکر می‌کنیم تنها راه حل است. اما می‌دانیم که در این میان شرایط گفتگو بسیار پیچیده شده. با پیوند مسئله‌ی آب با الگوی توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) چارچوب پیچیده‌ای ایجاد شده و گروه‌های مختلف اجتماعی درگیر موضوع هستند. شهروندان ساده، تولیدکنندگان، تجار، مسئولین دولتی، رسانه‌ای‌ها، جامعه مدنی، انجمن‌های علمی و... که هر یک به نحوی در این کشمکش جدی هستند. این اتفاق فرخنده‌ای است اما راه‌حل ساده‌ای ندارد. بیشتر معتقد بودیم برای حل مسئله نیاز به سرمایه اجتماعی داریم. اما امروز می‌دانیم که برای مرتفع شدن موضوع، به سرمایه اجتماعی چندگانه نیازمندیم. آنچه دولت را به جامعه مدنی و بازرگان و صنعتگر و کشاورز و اقتصاد مدرن و ... پیوند بزند. لازم است دولت در جهت ایجاد این پیوندها پیش برود و آگاه باشد که در شرایط کنونی، جامعه مدنی ایران از درجه‌ی بالایی از آگاهی اجتماعی برخوردار است و اقدامات دولت را مانیتور می‌کند.

• انوش نوری اسفندیاری



جمعی که اینجاست عمدتاً از هواداران یا مسئولین جامعه مدنی هستند. برای این نشست از کارشناسان و مدیران خوش فکر، دولت و وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی و اتاق بازرگانی ایران نیز دعوت شده بود. اما ظاهراً به علت محدودیت زمانی این دوستان را در جمع نمی‌بینم. صحبت امروز من درمورد سرمایه اجتماعی چندگانه‌ای است که دکتر قانعی راد به آن اشاره کرد. لازم است چیزی فراتر از سرمایه اجتماعی اتفاق بیفتد که سه رکن جامعه یعنی بخش خصوصی و

دولت و جامعه مدنی را به هم مرتبط کند و رابطه‌ی متقابلی میان آنها برقرار سازد تا این فرایند از بالا به پایین از بین برود. اما اصل ماجرا غفلت‌هاست.

سوال اینجاست چه جنبه‌هایی از آب مورد غفلت قرار گرفته؟ در اینجا شاهد بودیم که هر یک از اعضای پنل به‌نوعی غفلت‌ها را مورد توجه قرار دادند. سخنران اول به غفلت تاریخی اشاره کردند. زمانی که قطار از ایستگاه مدیریت عرضه می‌گذشت و لازم بود به فکر کنترل تقاضاها و جهت‌گیری‌های توسعه کلان کشور می‌بودیم تا تقاضاهای شتابان برای آب در مناطق خشک و نیمه خشک بیشتر نشود. به‌معنی یک غفلت تاریخی درمورد تغییر جهت‌گیری مدیریت آب. آقای دکتر میان‌آبادی غفلت از زیرسیستم‌های مرتبط با سوال آب چیست را مطرح کردند (اقتصادی - اجتماعی، اداری، حقوقی و سیاسی). دکتر خانیکی غفلت از این موضوع که حضور گسترده‌ی مردم جزء ذاتی مسائل آب هست و زندگی بر پایه‌ی آب را مطرح کردند. دکتر قانعی راد غفلت از جامعه مدنی و انجمن‌های علمی را در بحث خود برجسته داشتند. ما اگر بخواهیم این غفلت‌ها را جبران کنیم لازم است ضعف نظام تصمیم‌گیر را به نحوی تغییر دهیم.

نکته‌ی مهم، تنگ شدن عرصه‌ی عمل است. اگر دولت سیاست‌های دولت‌محور گذشته را ادامه دهد، حداقل با چهار مکانیزم محدودکننده مواجه خواهد شد: گران شدن تأمین آب اضافی. با شرایط عرضه‌ای کنونی ما شدیداً برای تأمین هر متر مکعب آب اضافی محدودیت داریم و منابع مالی، اقتصادی و زیست محیطی بسیاری صرف آن خواهد شد. هر متر مکعب آب برای سدهای نسل اول پنجاه ریال تمام می‌شد و این عدد اکنون پانصد تومان یا پنج هزار ریال تمام می‌شود. یعنی هر مترمکعب آب اضافی صد برابر قیمت پیدا کرده. این رقم برای سال ۱۳۷۵ که من مطالعه می‌کردم نسبت به طرح‌های تأمین آب نسل اول ۱۷ برابر بود. طبیعتاً این محدودیت بسیار بزرگی برای تأمین آب اضافی است. این روند در استفاده از شیوه‌های معمول ذخیره‌سازی منابع آب سطحی است و اگر مواردی چونب‌های ژرف یا انتقال آب از دور دست و... مطرح شود، افزایش‌ها به مراتب بیشتر است.

دومین مکانیزم رشد مهارنشده‌ی تقاضا برای آب است. در حال حاضر به هر گوشه‌ای از کشور نگاه شود، تقاضاها و نیازهای جدید و انباشته‌ای برای تأمین آب اضافی وجود دارد. مشخص نیست که این شکاف میان عرضه و تقاضای آب چگونه باید تخفیف پیدا کند.

سومین موضوع فشار فقر و نابرابری است که محیط زیست را مورد تعرض قرار می‌دهد و هیچ منطقی را نمی‌پذیرد. چهارمین مورد هم دشوارشدن اجرای راه‌حل‌ها بطور کلی و لجاجت بر ادامه‌ی سیاست‌های گذشته و عدم پذیرش غفلت‌های شمرده شده بطور اخص است.

با چنین شرایطی هر چه می‌گذرد میدان عمل محدود تری ایجاد می‌شود و فرصتی برای پذیرش راه حل جایگزین فراهم نخواهد شد.

۶- پرسش و پاسخ:

۵-۱- پرسش‌ها

پرسش‌های شفاهی



• پرسش اول:

آنچه لاینحل و عجیب به نظر می‌رسد زیاده‌روی ما در زمینه‌ی سدسازی و برنامه‌ریزی براساس ۷۶ میلیارد متر مکعب است درحالی‌که همچنان لجاجت خاصی بر ادامه‌ی سیاست‌های قبلی وجود دارد. آیا در پشت این لجاجت‌ها منابع نامشهودی پنهان نیست که با توجه به وجود بالغ بر ۳۰۰ شرکت سدسازی، مضافاً طرح‌های سدسازی در حال تصویب و اجرا است؟ تا کنون سدهای زیادی ساخته شده که بسیاری از آنها حتی ابتدایی‌ترین مسائل فنی را نیز رعایت نکرده‌اند تا امروز ماتریس ۱۸ سد در ایران منفی اعلام شده است. سد گتوند در کنار معدن نمک گچساران و سد هراز در کنار معدن زباله نمونه‌هایی از این موضوع هستند. اما سوال اینجاست که چرا کسی نمی‌تواند حریف این سیستم باشد؟ در محیط زیست ما مبحث butterfly effect به معنی اثر پروانه‌ای مواجه‌ایم. بر اساس این اصطلاح کوچکترین دخالتی در محیط‌زیست نیاز به دیده شدن تمام جوانب آن عمل را دارد. اما علت چیست که درمورد سدسازی‌های ایران هرگز اینگونه نگاه نمی‌شود؟

• پرسش دوم: ابراهیم رئیسی – مه‌اب قدس

وقتی من به اینجا آمدم واژه‌ی آب در رویکردهای نو را شنیدم. به نظر من، امروزه رویکرد نو به آب رویکرد آب، انرژی و غذا است. درحالی‌که امروز تنها درمورد آب گفتگو شد. نمی‌توان به آب نگاه کرد و درباره‌ی آن صحبت

کرد بدون اینکه به انرژی و غذا توجه داشت. این سه موضوع به شدت به هم وابسته هستند. رویکرد مستقیم به آب یعنی شما فراموش کرده‌اید در کشوری که ۶۵ درصد آب از منابع آب زیرزمینی به دست می‌آید و انرژی به شدت در مصرف آب مؤثر است و حدوداً ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی و تولید غذاست. بدون توجه دو عامل دیگر، تمرکز بر مسئله‌ی آب و غفلی که در مورد آن شده نادرست است. همین که سیاست خود را فقط روی آب متمرکز کنیم و نه آب، غذا، انرژی، این مهم‌ترین غفلی است که در زمینه‌ی آب شده است.

• پرسش سوم: محمد بخشی – پژوهشگر تاریخ

موارد مورد نقد در صحبت‌ها، سیاست‌های افزایش جمعیتی ما در این ۴۰ سال، بی‌توجهی به کشاورزی و سیاست‌های غلط ایدئولوژیک امنیت غذایی و درک غلط از مفهوم استقلال که به معنی خودکفایی حداکثری ما در کشور بود. نمونه‌ی بارز این تفکر شوروی بود که با همین نگاه ایدئولوژیک و انحصارطلبانه و درهای بسته دچار بحران داخلی شد. اینها مجموعه‌ای از عواملی هستند که می‌توانند در موضوع آب دخالت داشته باشند. همچنین تاریخی بودن آنها نیز شامل زیرساخت‌ها می‌شود که در ۴۰ سال گذشته آن‌طور که نیازها افزایش پیدا کرده، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. مورد بعدی نیز سیاست‌بازی با آب است. عده‌ای برای کسب رأی وعده‌ی ارائه‌ی مجوز حفر چاه به مردم دادند و این کاسب‌کاری سیاسی به نفع آنها و به ضرر آب بود. آنچه در مورد آب اهمیت دارد، همین سیاست‌هایی است که زنجیروار به هم متصل شده و شرایط امروز را ایجاد کرده است. سطح اراضی ما بر اثر بی‌توجهی نسبت به قبل از انقلاب ۱۰ یا ۲۰ هزار برابر شده در صورتی که فکری برای تأمین آب آنها نشده است. بر اساس مطالعات تاریخی اینجانب، هژبر یزدانی فردی بود که قبل از انقلاب برنامه‌ای جدی برای کاشت گندم داشت. نزد شاه رفت و موضوع را با او در میان گذاشت. مشکلات را طرح کرد و ادعا کرد قادر به حل مشکل تأمین آب در این برنامه است و ایران را به اولین صادر کننده‌ی گندم منطقه تبدیل می‌کند. شاه از او سوال می‌کند این مقدار آب چگونه قابل تأمین است؟ یزدانی می‌گوید به وسیله‌ی آب‌های زیرزمینی. شاه می‌پرسد اگر آب زیرزمینی را برداشت کنیم، چگونه در پنجاه سال آینده آب آشامیدنی را تأمین کنیم؟ یزدانی هیچ جوابی نمی‌دهد و پرونده همانجا بسته می‌شود. بر این اساس باید بدانیم نتیجه‌نگری سیاست‌گزاری‌های ما بسیار مهم است.

• پرسش چهارم: ورجاوند – انجمن دامون

سوال من در مورد بحث اجتماعی کردن آب است که در اینجا به عنوان راه‌حل و ابزاری برای وضعیت کنونی آب کشور مطرح شد. دوستان به درستی فرمودند که یکی از ابزارهای غلط، ترساندن مردم از بحرانی بودن این وضعیت است. درحالی که به خیال مجریان این بحران می‌تواند مردم را مستعد کند و جبهه‌ای در برابر مسئله بسازد. اگر ترساندن مردم در برابر این بحران غلط است، چه رویکرد جایگزینی برای اجتماعی کردن مسئله‌ی آب وجود دارد؟

• پرسش پنجم: پیمان – برنامه‌ساز، فیلم‌ساز

در رابطه با بحث مدیریت منابع آب آیا کشوری مشابه کشور ما وجود دارد که بتوان از آن الگوبرداری کرد؟ مثلاً زمزمه‌هایی که از مدیریت آب اسرائیل یا کشورهای دیگر شنیده می‌شود آیا در کشور ما قابل اتکا هستند؟ در این نشست صحبت از رویکردهای نو می‌شود. اما هنوز هیچ رویکرد نویی ارائه نشده است و همچنان دولت به روش خود سدسازی خواهد کرد و مدیریت منابع آب به همان شکل قبلی در حال ادامه خواهد بود. این رویکردهای نو چه هستند؟

• پرسش ششم:

درخصوص تبدیل نقش مافیای سدسازی به مافیای سازه‌های آبی و ارتباط این مافیا با سرمایه‌داری سوال من این است که تا چه اندازه نقش این مافیا را از نظر جامعه‌شناسی مهم می‌دانید و چگونه آن را در ارتباط با مشکلات آبی کشور تحلیل می‌کنید؟ سوال دوم نیز درمورد نقش منازعات سیاسی در جنبش‌های اجتماعی است. وقتی شما نقش جوامع مدنی و مردم، دانشگاه و دولت در نظر می‌گیرید، چه مقدار نقش مردم از پایین و فشار مردم بر روی دولت را برای حل موضوع مؤثر

می‌دانید؟ علاوه بر نوشتن و اعتراض چه نقشی را برای جوامع مدنی می‌توان توصیه کرد و چه چیزهایی می‌تواند به‌عنوان الگویی بر روی این تغییر و یا ایجاد فشار بر سیاست‌ها مؤثر باشد؟



• پرسش هفتم:

ما در اینجا دائم صحبت از بحران آب، تنش آب، استرس آب و این مسائل می‌کنیم. شرایط بحرانی شرایطی است که همه درگیر آن باشند. من خواهش این است که این را قبول کنیم که ما ورشکستگی آبی داریم و هر چقدر این حقیقت را بپذیریم، باید بهای سنگین‌تری برای آن بپردازیم. وقتی تصویب می‌کنیم که دولت مجوز برداشت آب‌های ژرف را می‌دهد و اکنون زلزله بخاطر برداشت غیرمجاز آب کشور را تهدید می‌کند و نمونه‌ی آن فرونشست‌های دشت ورامین و همدان است. من فکر می‌کنم اسم این بحران نیست بلکه ورشکستگی آبی است.

پرسش‌های مکتوب

• پرسش اول:

در حال حاضر به نظر می‌رسد که هیچ رویکرد جدیدی برای مدیریت منابع آب وجود ندارد و دولتمردان همچنان، با روشهای قبلی در حال کار هستند. رویکردهای نوین شما چیست؟ سمت و سوی ما باید به کجا باشد؟ آیا این ۳۰۰ شرکت سدسازی امکان تغییر کاربری ندارند؟

• پرسش دوم:

در پوستر نشست نوشته است «یک دهه همکاری ملی»، منظور چیست؟ آیا این دهه با دهه‌ای که آقای جهانی از آن بعنوان «دهه ریاضت آبی» یاد کردند، یکی است؟

• پرسش سوم:

علی‌رغم رویکرد توسعه سیستم‌های آبیاری های نوین در وزارت جهاد کشاورزی که موجب افزایش راندمان مصرف آب خواهد شد اما موجب کاهش مصرف آب و کاهش زیرکشت نخواهد نشده است و چه بسا که موجب افزایش سطح زیر کشت هم شده است. از دیدگاه جامعه شناسی چه توصیه‌ای می‌شود؟

• پرسش چهارم:

رویکردی که در نشست‌های حول مسائل آب و محیط‌زیست قابل مشاهده است بیشتر پیرامون مخالفت با طرح‌های توسعه‌ای به علت پیامدهای زیست‌محیطی به ویژه در خصوص مسائل آبی است. در این جلسه هم اصطلاح پتروشیمیایی کردن مطرح شد. این رویکرد و عدم ارائه راه‌حلهای مناسبی که بتواند ضمن در نظر گرفتن مسائل زیست‌محیطی اشتغال، امنیت آبی و تامین آب مورد نیاز برای جامعه مناسب نیست. در مواردی ابزارهای اقتصادی می‌تواند بین این مسائل تعادل مناسبی ایجاد کند. به نظر می‌رسد بهتر است به جای «مخالفت صرف» پیشنهادات مشخص با نگاه به مسائل دیگر حول محور آب ارائه نمود.

• پرسش پنجم:

نمی‌توان از آثار زیست‌محیطی صحبت کرد بدون آنکه ارزشگذاری اقتصادی آن صحبتی به میان نیاورد. در غیر این صورت زبان مشترک بحث برای جنبه‌های زیست‌محیطی آب فراهم نمی‌شود. به نظر شما یکی از ضروری‌ترین انواع سرمایه اجتماعی ایجاد ظرفیت در این زمینه نیست؟

• پرسش ششم:

دکتر خانیکی فرمودند که نیاز به حرکت‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد هست. تجربه کاری من این بود که به عنوان یک تسهیلگر اجتماعی ما چند سال بر روی احیاء و مرمت قنات‌های یک منطقه با مردم محلی کار کردیم. ناگهان یک شرکت خصوصی می‌آید و در روستای کناری برای ساختن یک استخر و هتل لوکس سرمایه‌گذاری می‌کند و آب

قنات را می خورد. بنابراین به نظر می رسد که اگر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای کلان به همین روند ادامه یابد، حرکت‌های خرد چندان پاسخگو نباشد.

• پرسش هفتم:

آیا درست است که بخاطر بحران از فضای سبز شهری بکاهیم؟ در کل فضای سبز شهری در مقایسه با عوامل دیگر چه میزان تاثیر در بحران آب دارد؟

• پرسش چهارم:

اینطور بحث می شود که گفت و گو درباره آب می تواند منجر به اجتماعی شدن آب و حرکت به سمت حل بحران آب شود. اما در حال حاضر به نظر می رسد، گفت و گوهای زیادی میان کنشگران موثر (کشاورزان، متخصصان آبی، NGOها و غیره) در گرفته است که بیشتر حرفهای تکراری و موضع‌گیری‌های مبتنی بر جایگاه ذینفعان مختلف شنیده می‌شود. هیچکس راه حل قابل‌اعتنایی که مورد اجماع هم باشد ندارد و گفت و گوهای جمعی هم به صورتی نیستند که نشان دهد در راه رسیدن به راه حل هستیم. حال سوال این است که گفت و گو یا اجتماعی شدن آب دقیقاً با چه مکانیسم‌هایی می‌تواند ما را به سمت حل بحران آب، یا رسیدن به راه‌حل مشترک برسد؟

۵-۲- پاسخ‌ها:

• انوش نوری اسفندیاری:

در اینجا رویکردهای نو در ارتباط با حکمرانی آب هست و نه تکنولوژی‌های جدید. همه‌ی دوستانی که صحبت کردند، تمرکز خود را بر نظام حکمرانی قرار دادند. زیرا مهم‌ترین مسئله‌ای است که لازم است به دولت جدید یادآوری کرد. این موضوع تنها شامل مدیریت نمی‌شود بلکه چارچوب‌های نهادی فراتر از چارچوب‌های مدیریتی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. نظام حکمرانی یک بعد فرهنگی دارد که در آن معناسازی اتفاق می‌افتد و مفهوم شکل می‌گیرد و در نظام قاعده‌سازی بسیار مؤثر است. نظام قاعده‌سازی، قوانین و سیاست‌ها و نظام توزیع منافع را شکل می‌دهد. ما از توزیع منافع زیاد صحبت می‌کنیم و معتقدیم شاید یکی از موانع مهم در لجاجت بر ادامه‌ی سیاست‌های گذشته باشد. این تشخیص درست است. ما برای تعقل در نظام حکمرانی، باید مسیر را آماده کنیم. اگر ما تنها سراغ قاعده‌سازی برویم و بدون توجه به مسیر سعی در وضع قانون یا سیاست‌های جدید داشته باشیم، طبیعتاً نمی‌توانیم مسیر را به‌خوبی طی کنیم چون به این شکل موانع و چالش‌هایی ایجاد می‌شوند. همان‌گونه که مطرح شد زیرسیستم سیاسی و سیاست‌گذاری در این تحولات تعیین‌کننده است و برخی افراد لفظ ابرتعیین‌کننده را بر روی آن



گذاشته‌اند. این سیستم تا حد زیادی تحت تأثیر منافع مستقر و ریشه‌داری است که وجود دارند و سد راه تغییرات اساسی می‌شوند. بحث درخصوص این منافع و چگونگی توزیع آنها در جامعه موضوع اقتصاد سیاسی آب است اما نکته اینجاست که چگونه می‌توان این منافع را طوری تغییر داد که در مسیر مصالح ملی و عمومی قرار بگیرند. در اینجا لازم است گفتگویی بر روی صورت مسئله‌ی آب صورت گیرد و روی آن تفاهم شود. یکی از سوالات کلیدی این بود که چرا مسئله‌ی آب در جامعه درست مطرح نمی‌شود؟ با طرح مسئله در جامعه، صرفاً راه‌حل‌های کاهش مصرف و یا بهینه کردن مصرف مطرح می‌شود. اما در بحث رویکردهای نو ما به این پرداختیم که چگونه مردم از نظاره‌گر تبدیل به کنشگر شوند و فعالیت‌های اجتماعی جمعی شکل بدهند تا در این شرایط خطیر و بسیار حساس که دائماً عرصه‌ی عمل تنگ‌تر می‌شود تحولاتی ایجاد شود. بنابراین اگر ما بخواهیم هر نوع مذاکره را براساس تشخیص منافع و تبدیل منافع در سطح ملی انجام دهیم، ابتدا باید صورت مسئله را تعریف کنیم. این صورت مسئله نیاز به ایجاد درک مشترکی دارد تا گفتگوها به سرانجام برسد. متأسفانه این درک مشترک وجود ندارد. در سوالات به موضوع آب، انرژی و غذا اشاره شد. این مفاهیم نیازمند درک مشترک ما از امنیت آبی و امنیت غذایی است تا باب گفتگو باز شود.

به پیچیدگی و گسترش کار اشاره شد. اگر ما چرخه‌ی آب را در نظر بگیریم و پیوند آن با فعالیت‌ها و کنش‌های مختلف اجتماعی را بدانیم، خواهیم دانست که آب زندگانی همه‌ی ماست و همه باید درگیر این کنش شویم. اما نمی‌توان از این قاعده عبور کرد که سقف اجرایی تمام مفاهیم و تصمیمات ما درک مسلطی است که وجود دارد. اگر این درک مسلط اشتباه باشد، طبیعتاً نمی‌توان امیدوار بود که بتوانیم در کنش جمعی راه‌حل درستی از یک درک مسلط اشتباه پیش ببریم. بنابراین ایجاد تحول در این درک مسلط، مسئله‌ی بسیار مهمی است.

مستقیماً سراغ قاعده‌گذاری رفتن بدون حل و فصل مسائل ابتدایی و بدون شناخت و تعریف درستی از منافع و اقتصاد سیاسی آب کشور، شیوه‌ای اشتباه است. ما باید بدانیم که این منافع خیلی متمرکز نیست و نمی‌توانیم تنها «مافیای آب» را مؤثر بدانیم. بلکه بخش مهمی از این منافع حتی خود کشاورزان را نیز شامل می‌شود. در حال حاضر ما (بدون توجه به راه حل‌های جایگزین در توسعه روستایی)، فقط الزامات را برای همین کشاورزان می‌گذاریم، سپس آنها منافع خود را محدود می‌بینند و به دلیل اینکه با معیشت آنها سروکار دارد با آن مقابله می‌کنند. از سوی دیگر عموم مردم با انتخاب آگاهانه‌ی خود نوعی اطلاع‌رسانی به سیاست‌گزاران و تصمیم‌گیرندگان دارند که منجر به تصحیح رفتار آنها خواهد شد. وقتی راه‌حل‌های بسیار محدود و پیش‌پا افتاده و نقطه‌ای مطرح با استقبال روبرو نشود، طبیعتاً خود تصمیم‌گیرندگان نیز به سمت اصلاح روش‌ها سوق پیدا می‌کنند.

بنابراین غفلت‌های نام برده شده مربوط به نظام حکمرانی بود. وقتی که مردم وارد عرصه و عمل شوند، میزان دخالت‌ها و دستورهای از بالا به پایین نیز محدودتر می‌شود. نمی‌توان اینگونه نگاه کرد که جامعه فعال شود، کنش‌های جمعی شکل بگیرد و نظام دستوری برنامه‌ای نیز اجرا شود. طبیعتاً نیاز به ایجاد موازنه است. در عین حال نمی‌توان تمام مسائل را از پیش تعیین کرد بلکه باید نقش تعیین‌کننده‌ی سازوکارهای فعال شده و رو به رشد اجتماعی و اقتصادی از پایین به بالا را نیز پذیرفت.

• عباسقلی جهانی:

من به دو سه سوال که مطرح شده پاسخ خواهم داد. دوست عزیزی در مورد مسئله‌ی سیاست‌های جمعیتی سوال



داشتند. می‌خواهم در پاسخ و در مجموعه‌ی این نظرات موضوعی را خدمت شما عرض کنم که بسیار تعیین‌کننده است. ما در صحبت‌های خود راجع به غفلت‌های تاریخی در مدیریت آب صحبت کردیم اما در مورد غفلت‌های تاریخی امر توسعه در کشور چیزی نگفتیم. ما در کشور مفهوم توسعه را به درستی متوجه نشده ایم. توسعه‌ی ما نقطه‌ای است که در واقع همان عمران است و نه توسعه به معنی کامل آن. اگر بخواهیم

به درستی قضاوت کنیم، می‌توان گفت که برون‌داد نهایی فعالیت‌های یک بخش مثل بخش آب شامل تلاقی دو مؤلفه‌ی مهم است. یکی پیشران‌های توسعه که خارج از اختیارات بخش آب هستند مانند سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌ی توسعه‌ی شهری، فضاسازی برای فعالیت‌های مختلف، سیاست‌های امنیت غذایی و امثال این‌ها که به‌طور مستقیم در برنامه‌های مدیریت آب اثر می‌گذارند، و مؤلفه‌ی دیگر، خود فعالیت‌های درون بخش آب است. اکنون با قاطعیت می‌توانیم بگوییم که متاسفانه در کل ابعاد توسعه ملی نیز مرتکب اشتباهات تاریخی شده ایم. یکی از همین مسائل آمایش سرزمین است. ما به مدت ۴۰ یا ۵۰ سال در مورد آمایش سرزمین صحبت کرده ایم ولی طی این سال‌ها دولت‌ها ملتزم به آن نبودند و برنامه‌های توسعه، مبتنی بر واقعیات آن نبوده. بنابراین صحبت در مورد سیاست‌های جمعیتی و نقش آنها در توسعه بدون توجه به آمایش سرزمین مقدور نیست. اینطور نیست که اگر تنها به اصلاح بخش آب پردازیم، مشکل آب حل خواهد شد. دیدگاه‌های نوین توجه اساسی به همین پیشران‌های توسعه‌ی اثرگذار بر مدیریت آب هستند که باید متناسباً اصلاح شوند و در پی آنها، سیاست‌های منطبق با شرایط توسعه پایدار گزارده و اجرا شوند.

در مورد سدسازی ما در کشور با شرایط دوگانه‌ای مواجهه‌ایم. از طرفی معتقدیم سقف توسعه‌ی منابع آبی تجدیدشونده‌ی ما باید حدود ۶۰ درصد باشد (مقیاس جهانی ۴۰ درصد) است. از طرف دیگر در حال حاضر بیش از ۹۵ میلیارد متر مکعب آب مصرف می‌کنیم. تفاوت عمیق میان این دو رقم به ما نشان می‌دهد که امروزه دیگر باید اعتراف کنیم دوران عرضه‌ی آب تمام شده و باید به این مسئله پردازیم که چگونه این ۹۵ میلیارد را از طریق شیوه‌های مختلف مدیریت تقاضا به ۶۰ برسانیم در حالی که بدون توجه به این واقعیت مسلم هنوز هم شاهد وجود تعداد بی‌شماری طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای، سدسازی و بطور کلی سازه‌های عرضه آب هستیم.

پیشنهاد ما برای حل این موضوع همان است که در بیانیه‌ای که تعدادی از نخبگان آب کشور برای آقای رئیس‌جمهور ارسال کردند و در آن درج شده: «تعیین تکلیف طرح‌های نیمه تمام توسعه‌ی منابع آب در انطباق واقعی آنها با اصول و مبانی توسعه پایدار و مهندسی دوباره» ما پیشنهاد داریم که یک گروه مستقل متشکل از نخبگان و افراد مورد وثوق تشکیل شود و این طرح‌های نیمه تمام را از بعد اصول توسعه پایدار و با توجه به اصول مهندسی مجدداً بازبینی کند. امیدواریم این پیشنهاد مورد توجه دولت قرار گیرد.

سوال دیگری مطرح شده که منظور از دهه‌ی همکاری ملی چیست؟ ما در آن بیانیه به آقای رئیس جمهور پیشنهاد کردیم که برای برون‌رفت از شرایط موجود دولت به‌صورت قانونی لایحه‌ای به مجلس ارائه دهد که بر اساس آن، دهه‌ی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶ به‌عنوان دهه‌ی ملی آب در نظر گرفته شود. به این معنا که در این دهه ما بتوانیم دوره گذار را با فراهم کردن رویکردهای نوینی که گوشه‌هایی از آن در این جلسه بیان شد و آماده کردن پلتفرم‌های لازم بگذرانیم تا بتوانیم شرایط را به شرایط مناسبی که قابل کنترل باشد برسانیم. اگر قرار است ما مصرف آب را ۳۵ میلیارد متر مکعب کاهش دهیم، برای این کار نیاز به برنامه، زیرساخت‌ها، قوانین، ساختارها، نیروی انسانی، ظرفیت‌سازی و... داریم. به این شکل خواهیم توانست در طی دو برنامه‌ی پنج‌ساله که آن را ریاضت آبی نامیدم دوره‌ی گذار را با هزینه‌های کمتری طی کنیم.

• هادی خانگی:

از مشارکت دوستان عزیز در طرح مباحث و نظرات و سوال‌ها ممنون هستم. ابتدا سعی می‌کنم به چهار سوالی که از من پرسیده شده پاسخ دهم. سپس چند نکته برای جمع‌بندی ذکر می‌کنم.

مطرح کردند که وقتی از اجتماعی کردن مسئله‌ی آب صحبت کردیم، گفتیم ترساندن از بحران مسئله‌ای غلط است. سوال شده که پس چه چیزی درست است؟ من این را بر اساس نتایج مطالعات موردی اعلام کردم. یکی از دانشجویان من که رساله‌ی دکتری خود را با موضوع آب در کرمان انجام می‌دهد و از بحث‌های انتزاعی و فلسفی دور است، در بخشی از رساله‌ی خود



که هنوز به پایان نرسیده نوشته بود تجربه‌ی جلسات گفتگویی که برای پروژه‌ی مدیریت مشارکتی منابع آب زیرزمینی و تسهیلگری انجمن آب در کرمان برگزار شده و ذینفعان نیز درگیر آن بودند نشان می‌دهد کشاورزانی که در گفتگوها شرکت داشتند قبول کردند و درک می‌کنند که کمیت و کیفیت آب کاهش یافته اما معتقدند هشدارهایی مانند اینکه کرمان تا دو سال دیگر جایی برای زندگی نیست یا تا ده سال دیگر تبدیل به کویر می‌شود مانع همکاری آنها برای حل مشکل آب است. این کشاورزان معتقدند وقتی امید از بین می‌رود، رقابت برای تمام کردن باقی‌مانده‌ی آب بیشتر می‌شود و با منبع نادری مواجه می‌شوند که به چگونگی استفاده‌ی بیشتر از آن می‌اندیشند.

تیتراهای رسانه‌ای نیز معمولاً در پی عجیب بودن هستند. هرچه خبر به جنبه‌های منفی بیشتری ناظر باشد، تیتری فراگیرتر خواهد بود. این اخبار در حوزه‌ی آب فراوان است و منجر به رقابتی مبتنی بر ترس، ناامیدی و عدم همکاری و عدم احساس تعهد بر سر آب شده است. ما در برابر این وضعیت به فهم مشترک اشاره کردیم. اما نه به

این معنی که با فهم مشترک اوضاع به سامان و مشکلات حل می‌شود. بلکه با فهم مشترک همگان مسئله را مسئله‌ی خودشان می‌دانند.

تجربه‌ی دیگر مربوط به دانشجوی رشته‌ی جغرافیای گردشگری درمورد حل یک مسئله‌ی زیست محیطی در جزیره‌ی قشم است. او با خطر انقراض یک گونه لاک پشت در جزیره‌ی قشم مواجه شد و برای جلوگیری از این اتفاق تصمیم گرفت کاری کند که مردم جزیره این مسئله را از آن خود بدانند. این دانشجو به زنان این جزیره کارهای دستی مثل گلدوزی طرح این لاک پشت روی پارچه را آموزش داد. این کار منجر شد لاک‌پشت در حال انقراض به صنعتدستی و درآمدزایی پیوند بخورد. به مرور وضع مالی این زنان با کمک طرح این لاک پشت بهتر شد و مسئله برای زنان مهم تلقی گردید. این لاک پشت به نمادی در زندگی این زنان تبدیل شد و چون موفقیت به همراه داشت، برای بقای نسل آن کوشیدند.

باید بدانیم اطلاعاتی که از مسئله‌ی آب در حال انتشار است، عدم اجماع می‌آفریند. در این عدم اجماع وزارت نیرو، وزارت کشاورزی و سازمان محیط زیست تقصیر را گردن یکدیگر می‌اندازند. ما ابتدا فکر می‌کردیم تنها با نهاد دولت مواجهیم. اما بعد از ورود به مسئله دیدیم قسمت‌های مختلفی در نهاد دولت وجود دارد که حرف مشترک نمی‌زنند. این موضوع عینا در میان نخبگان هم وجود دارد. به همین دلایل، درک مشترک و حس مشترک بدون تأکید صرف بر وحشت و ایجاد ترس مدنظر است.

نکته اینجاست که نمی‌توان با استفاده از تبلیغات گفتمان ساخت. گفتمان می‌تواند در کانون امر اجتماعی سودمند باشد.

در سوالات گفته شده که به نظر می‌رسد گفتگوهای زیادی برای اجتماعی کردن مسئله‌ی آب درگرفته اما اغلب حرف‌هایی تکراری و موضع‌گیرانه است و امکان ایجاد اجماع ندارد. پرسیده شده که من چه مکانیزمی پیشنهاد می‌کنم؟

باید دانست گفتگو زمانی شکل می‌گیرد که به نفع طرفین باشد. نمی‌توان برای اثبات حقی گفتگو کرد و رقیب را ساکت نمود. ما در رشته‌ی ارتباطات مقوله‌ای با عنوان «ارتباطات مشارکتی» داریم که جان سرواس آن را در امریکا مطرح کرده و در مالزی و سنگاپور پیش برده است. ارتباطات مشارکتی تبدیل «ارتباطات از بالا به پایین» به «ارتباطات برابر» را مدنظر دارد. یعنی ارتباطات و گفت‌وگو از بالا به پایین نباشد و کسانی که می‌دانند در برابر کسانی که نمی‌دانند قرار نگیرند. کشاورزان در بسیاری از مواقع نسبت به مروجان کشاورزی تجربه‌ی بیشتری دارند اما مهندسان و مروجان قصد نگاه از بالا به آنها را دارند. نمونه‌ی ارتباطات مشارکتی، مدرسه در مزرعه است. تجربه‌ی موفق مرحوم بهمن بیگی در مدارس عشایری نمونه‌ای اصیل و فرهنگی از آن است.

در سوال دیگری یکی از نهادهایی که تجربه‌ی کار توسعه محلی دارند تجربه‌ی خود را از توجه به سیاست‌های خرد درمقابل سیاست‌های کلان گفته‌اند. به این شکل که وقتی برای احیاء قنات یا مرمت قنات‌های منطقه اقدام می‌کنند و با مردم محلی کار می‌کنند، ناگهان سروکله‌ی بخش خصوصی برای خرید و فروش پیدا می‌شود که قصد هتل‌سازی با آب قنات دارند و مواردی از این قبیل. در نهایت به این اشاره کرده‌اند که اگر سیاست‌گذاری‌های کلان غلط باشد،

توجه به سیاست‌های خرد بی‌نتیجه خواهد بود. من به سیاست خرد در برابر سیاست کلان به این منظور اشاره کردم که در سطح خرد به درک مشترکی برسیم و گرنه مرتبا به فرافکنی می‌افتیم. من فکر می‌کنم اگر می‌خواهیم از گفتگو بر سر مسئله‌ی آب، اجتماعی شدن آن، نقش نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی در آن حرف بزنیم، به‌عنوان نقطه‌ی شروع باید گفتگو را آغاز کنیم و بپذیریم کسی نیست که اشتباه نکرده باشد. قبول کنیم سیاست‌گذاران، جامعه‌شناسان و دانشگاهیان همه و همه اشتباه کرده‌اند اما از نقطه‌ای که قبول کنند اشتباه کرده‌اند، می‌توان سیاست موفق‌تری را پیش برد.



به درستی از دانشگاه در کنار سه‌گانه‌ی دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی نام برده شده. نقد دانشگاه نیز کمتر از نقد دولت یا جامعه مدنی نیست. باید بتوانیم دانشگاه را به حرف بیاوریم و بر سر منفعت ملی زبان‌آور کنیم. مشکل آب مثل هر مشکل دیگری محصول جامعه‌ای است که به زبان نیامده یا لکنت زبان دارد یا گوش شنوا ندارد. کار ما در جامعه‌ی مدنی این است که دانشگاهیان، کارشناسان، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و... را به زبان بیاوریم و البته انتظار داریم در طرف دیگر گوش شنوایی هم وجود داشته باشد.

نقد ما به نهاد دولت یا نهاد حاکمیت این است که چقدر گوش‌ها را برای شنیدن این حرف‌ها باز کرده؟ جوانان ما به دلیل آگاهی‌های بیشتری که دارند امکان آموزش و یادگیری بیشتری در فضای مجازی برای آنها فراهم است. بالتبع حرف‌های زیادی دارند که شنیده نمی‌شود. برای رسیدن به مسئله‌ی مشترک نیاز به گفتن و شنیدن توأمان داریم. مرتبا این سوال مطرح شده که درک ما از رویکردهای نو چیست؟ تمرکز ما بر رویکردهای نو و مشارکت جامعه در امر مدیریت آب است و اینکه مسئله‌ی آب در ایران و جهان چندوجهی و عمیق و استراتژیک است و برای حل آن نگاهی فراتر از دولت مورد نیاز است. گفتیم که بحران آب راه حل کوتاه‌مدت ندارد و مجبوریم از گفتگوی اجتماعی استفاده کنیم.

مسئله‌ی گفتمان آب و سیاست اجتماعی آب مدنظر من است که فارغ از نهادهای مدنی و بخش خصوصی فعال و انجمن‌های علمی و شبکه‌ها ایجاد نخواهد شد. گفتمان اجتماعی آب زمانی به برنامه‌ عملیاتی می‌رسد که نهادهای مدنی میدان‌دار این عرصه شوند و جامعه را به کنش مؤثر ترغیب کنند. حکمرانی آب بدون برخورداری از زمینه‌های شهروندی راه به جایی نمی‌برد و لازم است همه‌ی سطوح محلی و ملی در این زمینه فعال شوند. سطوح محلی در این فرایند نقش مهمی دارند. اگر جامعه از مسئله‌ی واقعی و کلان آب آگاه نباشد، خطرآفرینی یا تهدیدانگاری تبدیل به پتانسیل رجوع جامعه به موضوعات مناقشه برانگیز می‌شود. مثال این موضوع دو دانشگاه در دو منطقه‌ی هویتی چهارمحال و اصفهان است که بسیار بر سر آب مناقشه دارند و حاضر به برگزاری نشست مشترک بر سر مسئله آب نبودند.

ما نیاز داریم از رسانه‌ها به‌عنوان زمینه‌ساز فضای گفتگو استفاده کنیم. رسانه‌ها فضای تبلیغات رسمی دستگاه‌ها و دولت برای تزریق تصمیمات ابلاغ‌شده به جامعه نیستند. رسانه عامل ایجاد فضای گفتگوست. در کنار آن نیاز داریم که عرصه‌ی عمومی گسترش یابد، صداها ناشنیده به گوش برسد و مشارکت همگانی میسر شود. لازم است نظاره‌گری حوزه‌ی رسانه به ایجاد کننده‌ی مشارکت تبدیل شود.

در عالم ارتباطات زمینه‌ی جدیدی با عنوان روزنامه‌نگاری اجتماعی و روزنامه‌نگاری کنش‌گر داریم. در این روزنامه‌نگاری، افراد، شبکه‌های اجتماعی و نهادها سعی می‌کنند جامعه را به جامعه‌ی فعال تبدیل کنند. رسانه‌های محلی اهمیت ویژه‌ای در این زمینه دارند. نشریه‌های محلی نقش مهمی در جلب مشارکت دارند و نقش انسان‌ها در این مشارکت، آگاهی‌بخشی و تسهیلگری است. بسیاری از سیاست‌مداران بحران آب را در حال ورود به مسئله‌ی زیست اجتماعی کشور می‌دانند که در شمار ابربحران‌های پیش رو قرار می‌گیرد. در چنین چشم‌اندازی قطعاً گسترش بحران آب و زمین و جمعیت و منازعات و جنگ‌های محلی و منطقه‌ای در پیش است که در این شرایط در کنار ماندن روشنفکران و سیاست‌مداران و هنرمندان و احزاب و گروه‌ها ناممکن است.

اگر بحران آب با فهم نادرست «اجتماعی» شود و با مدیریت غلط «اجرایی» شود، با مشارکت اندک اجتماعی، مسئله به صورت مضاعفی پیچیده‌تر خواهد شد. بحران آب بحران در همه چیز است و از این رو بحث سیاست آب مطرح می‌شود. بحران آب بحران امنیت ملی، منافع ملی و توسعه ملی است و وقتی بحران با چنین ابعاد وسیعی مطرح می‌شود، ذی‌نفعان و کنشگران آن افزایش می‌یابند. برای توجه به مسئله‌ی آب به فعال‌سازی سطوح ملی و محلی نیاز داریم.

صحبت‌م را با بیتی از مولانا به پایان می‌برم:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

• محمدامین قانع‌ی راد:

دوستان پرسیده‌اند رویکردهای نو چه هست؟ رویکردهای نو در ۱۵ نشست و یک همایش و تعداد زیادی مستندات دیگر که انجمن‌ها، اندیشکده‌ها و... منتشر کرده‌اند گفته شده. ما برای تعریف رویکردهای نو به اینجا نیامده‌ایم. ما

آمده‌ایم تا در آستانه‌ی تشکیل دولت دوازدهم بگوییم این رویکردهای نوی منتشر شده و گفته شده را مطالعه کن و به کار ببند.

نوشته شده که چرا بیشتر حرف‌ها حول مخالفت با طرح‌های توسعه است و به جای مخالفت صرف پیشنهاد داده نمی‌شود؟ بحث جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان ایران این است که مخالفت‌شان با طرح‌های توسعه به معنای مخالفت



با توسعه نیست. بلکه به معنای مخالفت با ناپایداری این طرح‌هاست. بنابراین از نظر ما مهمترین ویژگی طرح‌های توسعه پایداری است.

سوال شده که چرا این دستاوردهای ما برای آگاهی جامعه مدنی منتشر نشده است؟ مجدداً اعلام می‌کنم که اسناد ۱۵

نشست آب، فرهنگ، جامعه چاپ و منتشر شده. اکنون وقت آن است که دولت، جامعه مدنی، دانشگاه و مردم این نتایج را بخوانند. دکتر شریعتی راجع به ماشینیزم صحبت کرد بود و مردم در این فکر بودند که سفر به مکه با ماشین راحت‌تر است. اما او ماشین را آنچه می‌داند که سوار آن می‌شویم اما ماشینیزم را سوار بر ما می‌داند. اکنون طرح‌های توسعه اقتصادی سوار ما هستند. الگوهای توسعه سوار بر ما هستند و ما می‌خواهیم به آنها تسلط داشته باشیم و بنابراین مخالفت‌ها باید طرح شود.

گفته شده که وقتی از آثار زیست محیطی بدون ارزش‌گذاری اقتصادی صحبت می‌کنیم زبان مشترکی ایجاد نمی‌شود و ظرفیت اجتماعی شکل نمی‌گیرد. پاسخ این است که آثار منفی زیست محیطی با اقتصاد قابل سنجش نیست. آیا می‌توان گفت فلان پروژه‌ی اقتصادی n ریال آثار منفی و m ریال آثار مثبت دارد و حالا اگر آثار مثبت بزرگتر از آثار منفی بود، اجرای آن اشکالی ندارد؟ من مخالف این محاسباتم. امر اجتماعی و امر زیست محیطی استقلال دارند. نمی‌توان آنها را با نگاه اقتصادی سنجید. نگاه اقتصاد محور همه چیز را ابتدا به پول تبدیل کرده و سپس درباره‌ی آن حرف می‌زند. در این نگاه که امروزه حاکم است، ما همه چیز را از جنس پول می‌دانیم و با منافع اقتصادی می‌سنجیم. حاضر می‌شویم یک جامعه‌ی محلی از هم بپاشد و در مقابل آن صنعتی با ایجاد اشتغال ۲۰۰ هزار شغل ایجاد شود، کدام ارزنده‌تر است؟ نمی‌توان مقایسه کرد. نمی‌گوییم نمی‌شود انتخاب کرد اما اینکه آن را تبدیل به معیار عینی کنید و بعد انتخاب کنید غیرممکن است. شما در میان دنیای ارزش‌ها دست به انتخاب زده‌اید!

لازم است به مسئولین گوشزد کنیم که محیط زیست و جامعه قابل سنجش با پول نیست. ببینید برای ایجاد چندین شغل با زیستگاه‌های خاکی و آبی چه می‌شود. بر سر کوه و جنگل چه می‌آید. چرا اقتصاد زندگی و سیاست زندگی برای ما مهم نیست؟ اولویت را به زندگی بدهیم یا اقتصاد؟ در نظر من اولویت با زندگی است. عامه‌ی مردم که

دغدغه‌ی شکم و گرسنگی دارند، محق هستند که اولویت را به اقتصاد و نان بدهند. ولی نخبگان که تا اندازه‌ای تأمین هستند، باید زندگی را در اولویت بدانند.
در نهایت پیشنهادات من به شرح زیر است:

- تخصیص منابع مالی مؤثر برای طرح‌های ارزیابی تسهیلات اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی
- وزرا و شخصیت‌های سیاسی به مشاوران اجتماعی و مشاوران زیست محیطی و اکنون به مشاوران آب نیاز دارند.
- زین پس طرح‌های عمرانی بدون مجوز زیست محیطی افتتاح نشوند. اکنون مردم نسبت به سیاست‌های پوپولیستی به سطحی از آگاهی اجتماعی رسیده‌اند که هر چیزی را به راحتی نمی‌پذیرند و درمقابل وزیر بایستند و اجازه‌ی انجام چنین کارهایی را ندهند... مردم به شما رأی دادند چون حدس زدند عاقل‌تر هستید. اکنون عاقلانه این است که بدون مجوز زیست محیطی طرحی اجرا نشود. برای این کار من معتقد به تقسیم کار بین سیاست‌مدار حرفه‌ای و دانشگاهی حرفه‌ای هستم.
- فساد زدایی از فعالیت‌های اقتصادی - صنعتی.
- توازی بین اقتصاد زندگی و اقتصاد کالایی.
- گسترش گفتگوهای اجتماعی یا اجتماعی کردن مسئله‌ی آب.
- پیوست آب برای همه سیاست‌ها و طرح‌های توسعه که فراتر از پیوست‌های زیست محیطی لازم است.
- به رسمیت شناختن فعالیت‌های جامعه مدنی درمورد محیط زیست.
- غیر سیاسی کردن مسئله‌ی محیط زیست.
- بهبود نظام حکمرانی آب و نظام حکمرانی توسعه که با یکدیگر پیوند دارند.
- اسناد پیوست فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی طرح‌های عمرانی قبل از اجرای طرح‌های عمرانی روی سایت دولت و وزارت‌خانه قرار بگیرد و فرصتی برای اظهار نظر کارشناسان داده شود و بعد از آن به مرحله‌ی اجرا برسد.
- آمایش سرزمین

• حجت میان آبادی:

چند نکته را درباره‌ی بحث هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب که قابل توجه خبرنگاران و جامعه مدنی است مطرح می‌کنم تا بتواند به رویکردهای نوین ما در مدیریت آب کمک نماید. اگر می‌خواهیم برای پرسش‌های این نشست به یک جواب قاطع برسیم باید به این یک جمله‌ی کلیدی دقت کنیم: یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که ما در کشور داریم، "توهم توسعه" است. آنچه در کشور ما اتفاق می‌افتد یقیناً توسعه نیست؛ بلکه توهم توسعه است. همه‌ی ما به‌عنوان جوامع مدنی یکی از وظایف جدی‌ای که داریم آنست که از دولت‌مردان و سیاست‌گزاران مطالبه کنیم که

تعریف آنها از توسعه چیست؟ اگر ما بتوانیم به تعریف درستی از توسعه برسیم، بسیاری از مسائل برطرف خواهد شد.

نکته‌ی تکمیلی در ادامه‌ی صحبت‌های دکتر خانیکی بحث مذاکرات آبی در خارج از کشور و بسیاری از کشورهای پیشرفته است که اکنون به‌عنوان رشته‌ی دانشگاهی وجود دارد و یکی از غفلت‌های کشور ماست. مسئله‌ی افزایش جمعیت و امنیت غذایی نیز بحثی بسیار پیچیده و طولانی است و ما لزوماً نمی‌توانیم افزایش جمعیت را عامل بحران آب بدانیم. اما و اگرهای بسیاری در این زمینه وجود دارد و سال‌های سال



است که این مسئله در دنیا مورد واکاوی قرار دارد. من آن را نه رد می‌کنم و نه تأیید. درمورد بحث الگوبرداری از طرح‌های موفق نیز باید ذکر کنم اگر طرح منابع آبی در شمال هلند موفق باشد، هیچ تضمینی نیست که آن طرح در جنوب هلند نیز موفق عمل کند. زیرا ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. اگر شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت باشد، الگوبرداری جوابگو نیست. من استفاده از الگوهای موفق دنیا را نفی نمی‌کنم، ولی لزوماً آن را در معنای کپی برداری موفق نمی‌دانم.

نکته‌ی دیگر نقش فوق‌العاده پررنگ جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی در دیپلماسی آب است. یکی از مهمترین معضلات کنونی ما تعامل با افغانستان است. در کشور ما نگاه مثبت و درستی بین فضای عمومی نسبت به اقوام افغانستانی وجود ندارد. این نگاه ناپسند نژادپرستانه بین ما و جامعه ایرانی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به دیپلماسی آب کشور ما می‌زند. پاکستان در ایجاد ناامنی‌های اقتصادی و تروریسم، هزینه‌های بسیاری برای افغانستان ایجاد می‌کند درحالی‌که اقدامات ایران همیشه برای افغانستان مثبت بوده. هند در افغانستان و در حوزه‌ی دیپلماسی آب نفوذ زیادی دارد اما کمک‌هایی که هند به افغانستان می‌کند درمقابل کمک‌هایی که ایران به آن می‌کند هیچ است. اما چرا تقریباً تمام اقدامات ما در قبال افغانستان همیشه نتیجه‌ی معکوس داده و می‌دهد؟ یکی از بزرگ‌ترین عوامل آن، همین دیدگاه منفی است. لذا اگر می‌خواهیم به امنیت آبی شرق کشور کمک کنیم، لازم است روی این بحث کار کنیم. ما پیشنهاد داده‌ایم کارگاهی برای رسانه‌ها و جوامع مدنی با عنوان کارگاه‌های دیپلماسی آب برگزار شود و به این پردازیم که چگونه می‌توان از دیپلماسی رسانه به نفع دیپلماسی آب استفاده کرد. این موضوع را در آن کارگاه واکاوی خواهیم کرد.

سوال دیگری که مطرح شده است آنست که امنیتی کردن مسئله‌ی آب به چه معناست؟ به این نمونه توجه کنید. اکنون در کشور، یک پروژه انتقال آب ملی داریم که همزمان هم درحال اجرا و هم در حال مطالعه است. در جلسات متعددی اعلام کرده‌ایم که این پروژه، گذشته از ابعاد منفی زیست محیطی شدید، تبعات جدی سیاسی و اجتماعی و هیدروپلیتیکی برای کشور دارد. اساتید حاضر اشارات بسیاری به طرح‌های مشارکت‌محور و لزوم

مشارکت‌های مردمی در جلسه مطرح کردند اما جالب است که پس از صحبت‌ها و هشدارهای متعدد در خصوص این پروژه، در نهایت کارفرمای محترم این پروژه نامه‌ای به مشاور نوشته که گزارشی با عنوان بررسی مقابله با تهدیدات مردم محور در پروژه‌ی انتقال آب مذکور تهیه شود!!!. اینجاست که مشخص می‌شود تفاوت میان مشارکت مردم و تهدیدات مردم محور کجاست. بین ابعاد امنیتی آب و نگاه امنیتی به مسایل آب چه تفاوت‌هایی وجود دارد. خلاصه و صحبت پایانی بنده آنکه درخصوص رویکردهای نو در مدیریت آب به زبان غیرتخصصی و بسیار ساده، عقیده‌ی من بر این است که اگر ما چهار زیرسیستم ذکر شده را به‌طور رسمی در کنار هم و با مرز یکسان بپذیریم، می‌توان رویکردهای نوینی در آینده در این خصوص ایجاد کرد.

• آقای اسفندیاری:

من چند نکته را به عنوان جمع‌بندی مطرح می‌کنم:

امروز به مسئله‌ی غفلت‌ها توجه شد و اکنون بخشی از این غفلت‌ها آشکار شده. یعنی دو وجه عینی (زوال کمی و کیفی منابع آب کشور) غفلتی است که آشکار گردیده و پیامدهای آن امروزه به همگان ثابت شده است. اما غفلت‌های دیگر به رابطه‌ی آب و توسعه و توهمی که ما در ارتباط آب و توسعه داریم برمی‌گردد. اینکه ما آب را پیشران توسعه می‌دانیم و توسعه‌ی بیشتر را با آب بیشتر میسر می‌دانیم از اهم غفلت‌هایی است که هنوز همه ابعاد آن آشکار نشده است. به این معنی که ما در کشور تقاضای مهار نشده و افسارگسیخته‌ای برای آب بیشتر داریم (چون هر قدم برای توسعه را وابسته به ایجاد تقاضا و مصرف آب بیشتر کرده ایم) علیرغم اینکه هزینه‌های تأمین آب با نسبتی که عرض کردم افزایش می‌یابد.

جمعیت، شهرنشینی، فناوری و موازنه‌ی بین انرژی و غذا و آب همگی از پیشران‌های توسعه هستند که سیاستگذاری ناصحیح در مورد آن‌ها منجر به خطرات جبران‌ناپذیری است و از اینرو لازم است در مورد آنها در نظام جدیدی گفتگو کنیم تا منجر به دامن زدن به تقاضای اضافی نشود. براین اساس رویکردهای نو به این می‌پردازند که برای ایجاد نیروی پشتیبانی اجتماعی از تغییرات و دگرگونی در تصمیمیات جدید برای توسعه کشور، این موضوعات را از پشت درهای بسته بیرون آوریم و در نظام جدیدی مطرح کنیم که دولت‌محور نباشد. این موضوع اصلی ما در دغدغه‌های مدیریت توسعه است.

ایجاد درک مشترک از مفاهیم و اصلاح نظام بینشی و توزیع منافع نیز مسئله‌ی بسیار مهمی در مسیر دگرگونی نظام حکمرانی آب است. ورود زودهنگام به قاعده‌گزاری‌های جدید بدون توجه و پرداختن به این مسائل خطاست و به دادن آدرس‌های نادرستی منجر می‌شود. در ضمن، در جلسه‌ی امروز مسئله‌ی آب فراتر از بحث‌های صرفه‌جویی فردی مطرح شد و این نکته‌ی جدید و مثبتی در طرح رویکردهای مدیریتی به آب بود.

۷- انعکاس نشست در رسانه‌ها

با توجه به مقطع زمانی شروع به کار دولت دوازدهم و حساسیت و هوشیار بودن جامعه در مورد برنامه دولت در حوزه های مختلف انعکاس رسانه‌ای مناسب و گسترده این نشست برای تاثیرگذاری بر حوزه عمومی جامعه و جهت‌گیری سیاستی تصمیم‌گیران از اهداف کلیدی این نشست بود. بنابراین با یک برنامه‌ریزی خود در این زمینه تلاش شد که حوزه گسترده‌ای از رسانه‌ها به انتشار یافته‌های این نشست اقدام کنند. رسانه‌هایی که به صورت مستقیم یا بازنشر خبر، مباحث و یافته‌های این نشست را منتشر کردند در جدول شماره یک آورده شده است.

ردیف	عنوان رسانه	عنوان خبر منتشر شده در رسانه	نوع انعکاس خبر
۱	سایت ایران اکونومیست	غفلت تاریخی از مدیریت تقاضای آب	بازنشر از ایرانا
۲	نشریه مستقل	سیاست‌های دولت محور باید تغییر کند	بازنشر از ایرنا
۳	سایت وقایع اتفاقیه	گفتگوی اجتماعی برای رفع معضل آب	بازنشر از ایرنا
۴	پایگاه خبری عطنا - دانشگاه علامه طباطبایی	آب و رویکردهای نو در گذر تاریخی ایران	تولیدی-گزارش تصویری
۵	خبرگزاری ایلنا	مردم را از بحران آب نترسانیم	تولیدی
۶	خبرگزاری ایرنا	غفلت تاریخی از مدیریت تقاضای آب	تولیدی
۷	خبرگزاری ایانا	نشست آب و رویکردهای نو در گذر تاریخی	تولیدی
۸	خبرگزاری خبروان	جمع‌بندی سخنان اعضای پنل در نشست «آب و رویکردهای نو در گذر تاریخی ایران، یک دهه همکاری ملی آب»	بازنشر
۹	پیشگامان کشت پایدار	غفلت تاریخی از مدیریت تقاضای آب	بازنشر از ایرنا
۱۰	خبرگزاری صمت - گسترش صنعت، معدن، تجارت	بحران آب عزم سیاسی و ملی می‌خواهد	تولیدی
۱۱	روزنامه اعتماد	بحران آب، بحران امنیت ملی است	تولیدی
۱۲	خبرگزاری شبستان	خانیک‌ی: جامعه باید درگیر مسئله آب شود	بازنشر

بازنشر	بحران آب، بحران امنیت ملی است	سلامت نیوز	۱۳
تولیدی	باید جامعه درگیر مسأله آب شود	انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	۱۴
بازنشر از ایانا	عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب گفت: هزینه تامین آب نسبت به سدهای نسل اول، ۱۰۰ برابر شده است.	مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی	۱۵
تولیدی	گذر از ۱۰ سال «ریاضت آبی» نیازمند برنامه ملی است	روزنامه ایران	۱۶
تولیدی	لزوم گفت‌وگو و همکاری همه نهادهای اجتماعی در رفع معضل آب	جهان سبز	۱۷
تولیدی	دیپلماسی آب به معنای مذاکره و گفت و گوی آب نیست	انرژی امروز	۱۸
	اسفندیاری در نشست "آب و رویکردهای نو در گذر تاریخی ایران؛ یک دهه همکاری ملی آب" اعلام کرد: هزینه تامین آب ۱۰۰ برابر شده است	هشتک	۱۹
بازنشر از خبرگزاری ایانا	سه غفلت تاریخی در مدیریت منابع آب	اندیشکده پایا	۲۰
بازنشر از رکنا	گذر از ۱۰ سال «ریاضت آبی» نیازمند برنامه ملی است	سایت خبری بازدید	۲۱
بازنشر از خبرگزاری ایلنا	سیاسی کاری مسئله آب را پیچیده کرده است / حرکت‌های زیست محیطی ژست‌های شیک نیست	سایت خبری آفتاب	۲۲
بازنشری از روزنامه شرق	فرق «کمبود آب» و «بحران آب» چیست؟	سایت خبری سرپوش اجتماعی	۲۳
تولیدی	مناقشات آب در قدر مطلق	روزنامه شرق	۲۴
	گذر از ۱۰ سال «ریاضت آبی» نیازمند برنامه ملی است	پایگاه خبری و اطلاع رسانی رکنا	۲۵

پیوست شماره یک: منتخبی از خبرهای مرجع انعکاس یافته از نشست در رسانه ها

عنوان خبر	عباسقلی جهانی: سه غفلت تاریخی در مدیریت منابع آب کشور داشته‌ایم
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایانا
خلاصه خبر	<p>کنار "گذاشتن ساختارهای محلی مدیریت آب"، "عدم مدیریت عرضه" و "عدم مدیریت تقاضا" سه غفلت تاریخی مدیریت منابع آب در کشور بوده است. بدون توجه به فرآیند تاریخی تکوین مدیریت آب در کشور، حل مسایل کلان در این حوزه سخت است. بنابراین به صورت کوتاه، نگاهی به فرآیند تاریخی و غفلت‌های این حوزه خواهیم داشت. می‌توان سه دوره مجزا برای مدیریت منابع آب کشور در نظر گرفت. دوره اول دوره فراوانی نسبی، دوره دوم مدیریت عرضه و دوره آخر دوره مدیریت تقاضا خواهد بود. اشکالی که در مدیریت منابع آب ایران همزمان با افزایش تقاضا رخ داد این بود که چند غفلت بزرگ تاریخی را در این دوره شاهد بودیم که نتیجه آن پیدایش وضعیت امروز است. تغییر نظام مدیریت آب، دولت کاملاً فعال مایشاء شد. در مدیریت آب تمام ساختارهای قبلی که متکی بر جوامع محلی بود به کنار گذاشته شد. دولت‌ها فکر کردند که با برنامه‌ریزی تحکمی و متمرکز، با استفاده از پول و تکنولوژی می‌توانند جوابگوی این توازن باشند. بنابراین به نوعی این غفلت موجب شد بدون توجه به شرایط و به هم خوردن توازن و اشتراک مردم و بهره‌برداران، شکل جدیدی از مدیریت آب در کشور ایجاد شود که در پول، تکنولوژی، برنامه ریزی متمرکز و تحکمی از بالا به پایین خلاصه می‌شد. غفلت مهم دیگر این بود که تشخیص داده نشد در چه زمانی باید بسترهای مناسب برای مدیریت تقاضا ایجاد شود. دولت‌ها مست پول و منابع مالی و بودجه بودند و دولت صرفاً به مدیریت هزینه پرداخت و به صورت سرسام‌آور کارهایی ساده بدون توجه به مرز و سقف مدیریت تقاضا را در دستور کار خود قرار داد. ما برای مدیریت تقاضا برنامه نداشتیم. سوار قطاری شدیم که از ایستگاه مدیریت تقاضا رد شده و هنوز متوجه نیستیم که از ایستگاه مورد نظر گذشته‌ایم. ب ررسی‌ها نشان می‌دهد که ۹۷ درصد منابع بخش آب صرف جنبه‌های مدیریت عرضه شده و طبیعی است که با این وضعیت ما زمان زیادی را برای مدیریت تقاضا از دست داده‌ایم. برای ساماندهی وضعیت کنونی، نیازمند بازسازی حکمرانی آب و تجدید نظر کامل در شیوه‌های گذشته مدیریت آب همچنین اتخاذ رویکرد نو و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی هستیم.</p>

عنوان خبر	محمد امین قانع‌ی راد: حرکت سریع کشور به سمت پتروشیمیالایز شدن!
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایانا
خلاصه خبر	<p>جامعه شناسی در مسایل آب ایران جدی گرفته نمی‌شود. غالب بودن تفکر مهندسی در بخش آب دلیل این مسئله است. بدون اجتماعی کردن مسئله آب، نمی‌توان راه حلی برای آن ارائه کرد. در حال حاضر این نگرانی وجود دارد که وضعیت قبلی ادامه یابد و نهادهای مدنی و انجمن‌های علمی به عنوان نهادهای کم توقع و صاحب ایده، همچنان نادیده گرفته شوند. انتظار ما این است که انجمن‌های علمی در جلسات کارشناسی دعوت شوند و ایده‌های آنها جدی گرفته بشود و با آنها تعامل لازم انجام شود. نقد ما به فعالیت‌های مهندسی ندیده گرفتن منابع حیاتی است. در غیر این صورت فعالیت‌های مهندسی، فعالیت‌هایی خلاقانه هستند. ما می‌خواهیم تنوع زیستی داشته باشیم، نخلستان‌های ما زنده باشد، ماهی‌ها در دریا به حیات خود ادامه دهند. اما فعالیت‌های صنعتی خاک و آب را آلوده می‌کنند. همان عناصر اربعه که در گذشته مبنای توسعه معرفی می‌شد امروز در حال نابودی است. خاک دچار فرسایش شدید شده است و نه تنها منابع سطحی بلکه منابع آب زیرزمینی نیز به اسم اقتصاد آلوده می‌شوند. این مسئله برای ما نگران کننده است. شرایط گفتگو درباره آب با سیاسی شدن مسئله بسیار پیچیده شده است. ما برای حل مسئله آب نیازمند سرمایه اجتماعی چندگانه هستیم تا ذی‌نفعان مختلف در مسئله آب را به یکدیگر پیوند بزنند. مخالفت جامعه شناسان با طرح‌های توسعه، به مفهوم مخالفت با توسعه نیست بلکه مخالفت با ناپایداری طرح‌های توسعه است. وقتی پروژه‌ای پیوست اجتماعی ندارد، اجرای آن در جامعه گسست ایجاد می‌کند. اید برای ارزیابی‌های اجتماعی و زیست محیطی، منابع مالی به موسسات اختصاص یابد. تمامی وزرا و شخصیت‌های سیاسی کشور مشاور آب داشته باشند. طرح‌های عمرانی بدون مجوز افتتاح نشود. سیاستمداران به جای مدرک گرایی به دنبال کار حزبی باشند. فساد زدایی از فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی، آب و پتروشیمی در دستور کار قرار گیرد. مسئله آب اجتماعی شود. فراتر از پیوست زیست محیطی، هر طرح پیوست آب داشته باشد. مسئله محیط زیست غیر سیاسی شود. فعالیت سمن‌ها به رسمیت شناخته شود. نظام حکمرانی آب بهبود یافته و به کارشناسان فرصت مطالعه و اعلام نظر درباره پروژه‌های عمرانی از طریق سایت وزارتخانه‌های مرتبط داده شود و در نهایت طرح آمایش سرزمین تهیه شود.</p>

عنوان خبر	حجت میان آبادی: کمبود آب منجر به جنگ نمی شود
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایانا
خلاصه خبر	<p>آب ترکیب در هم تنیده‌ای از مسایل طبیعی و انسانی است که در دهه‌های اخیر، با غفلت بسیار عجیب و معنا داری در استفاده از حوزه علوم انسانی در مدیریت منابع آب مواجه شده است. در نقطه مقابل شاهد توجه افراطی و نگاه کاریکاتوروار به مسایل این حوزه با نگاه صرفاً مهندسی بوده‌ایم. در نگاه صرفاً مهندسی، رویکردهای مدیریت منابع آب بر عرضه متمرکز می شود. برای اینکه بخواهیم این رویکرد را در کشور اصلاح کنیم، به عنوان اولین گام، باید به تعریف مشترک و واحدی از مقوله آب برسیم. بسیاری از تعاریفی که از آب در دانشگاه‌های ما و طرح‌های کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در کشور ارائه می شود، ناقص و یا غلط است. ابتدا باید آب و سیستم‌های آبی را تعریف کنیم تا بتوانیم مسایل آب کشور را حل کنیم. وقتی دم از مدیریت و برنامه‌ریزی سیستم‌های آبی می‌زنیم، اول باید آب و بعد سیستم منابع آب را بشناسیم تا بتوانیم از مدیریت منابع آب صحبت کنیم. آب دارای چهار زیر سیستم "طبیعی و مهندسی"، "اقتصادی-اجتماعی"، "اداری و حقوقی" و "سیاسی و هیدروپولتیک" است. هیدروپولتیک تعاریف متعددی دارد. علم مطالعه و بررسی اثرات و مناسبات سیاسی بر منابع آب را هیدروپولتیک گویند. هیدروپولتیک علم بررسی اثرات و مناسبات سیاسی در جوامع، ملت‌ها و دولت‌ها بر منابع آب و اثرات منابع آبی بر مناسبات در سه سطح جوامع، دولت‌ها و ملت‌ها در سه مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی است. باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آن تفاوت قائل شویم. با نگاه عملی به مسئله دیپلماسی، ابزارهای متعدد و متنوعی برای دیپلماسی تعریف می شود که در جامعه در حال پیاده شدن است. رویکردها در دیپلماسی با توجه به شرایط مختلف بین‌المللی و داخلی تعریف می شود. ابزارهایی که در دیپلماسی آب به کار گرفته می شود برای هر منطقه متفاوت است. در مسایل هیدروپولتیک دچار بخشی نگری هستیم. در مسئله آب سه گروه دولت، دانشگاه و مردم مقصر هستند. بنابراین باید این سه گروه را در دیپلماسی آب دخیل کنیم اما در هر سه گروه ضعیف هستیم.</p>

عنوان خبر	هادی خانیکی: ترساندن جامعه از بحران آب، مشارکت در حل مشکل را بهبود نمی‌دهد
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایانا
خلاصه خبر	<p>هادی خانیکی: حل مسئله آب در گرو درگیر کردن جامعه و تبدیل مسئله آب به یک مسئله اجتماعی، به همراه جلب مشارکت عموم شهروندان و نخبگان در این حوزه است. مسئله آب فقط مسئله دولت، مهندسان یا دست‌اندرکاران علوم اجتماعی نیست. باید سیاست‌های کلان کشور مبتنی بر آب تدوین شود. سیاست آب مثل سیاست‌های زندگی جنبه‌های مختلفی دارد که باید به آن توجه شود. در کانون قرار دادن مسئله آب به معنی ایجاد خطر درباره آب نیست. اگر جامعه را بترسانیم که چند سال دیگر منابع آب پایان می‌یابد، این رفتار منجر به افزایش مشارکت نمی‌شود. حتی مطالعات دانشجویانم در قالب پایان نامه‌های دانشجویی نشان می‌دهد که این هشدارها می‌تواند منجر به عدم مشارکت مردم شود. تیتراهای منفی درباره آب در عرصه رسانه زیاد است و این تیتراها سبب شده رقابت بر سر آب مبتنی بر ترس و ناامیدی شکل بگیرد. این مسئله عدم همکاری بین کشاورزان ایجاد کرده و حس عدم تعهد را در آنها تقویت کرده است. باید مسئله به نحوی مطرح شود که مردم مسایل آب را از خودشان بدانند. برنامه‌ریزی دولتی معمولاً عمودی و از بالا به پایین است. این نوع برنامه‌ریزی تمرکز گرایانه بوده و نقش دیگر بازیگران در آن نادیده گرفته می‌شود. بدنه دولت (مجموعه قوای حاکم) نهادهای اجتماعی و دانشگاه‌ها را نادیده گرفته و حرف‌های آنها را نمی‌شنوند. تکیه بر برنامه‌های پر هیمنه مثل انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان و روش‌های ضربتی اکتشاف آب ژرف را راه حل‌های کوتاه مدت برای مسئله آب است. باید در نهایت به قاعده گفتگو و جلب مشارکت مردم روی آوریم. دولت نباید خود را بالاتر از جامعه ببیند. به راه حل‌های فوری از بالا به پایین نباید توجه شود. بلکه باید حرف نهادهای مدنی، شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌ها که فرصت مبارکی برای کمک به دولت است، شنیده شود. اگر این اتفاق رخ دهد، می‌توان خطر را به یک فرصت تبدیل کرد. وضعیت امروز حاصل جامعه‌ای است که به زبان نیامده و حکمروایی است که به خواسته‌ها گوش نداده است.</p>

عنوان خبر	انوش نوری اسفندیاری: هزینه تامین آب ۱۰۰ برابر شده است
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایانا
خلاصه خبر	<p>برای تداوم روند گذشته چهار مکانیزم محدود کننده داریم. مکانیزم اول قیمت تمام شده آب اضافی برای کشور است که به شدت رو به افزایش است. به لحاظ شرایط عرضه آب در کشور، برای تامین هر متر مکعب آب اضافه هزینه زیادی از نظر اقتصاد و زیست محیطی باید پرداخت شود. هزینه تامین هر متر مکعب آب برای سدهای نسل اول، ۵۰ ریال بود. این رقم در حال حاضر به پنج هزار ریال برای هر مترمکعب آب رسیده است. یعنی قیمت هر متر مکعب آب تنظیمی ۱۰۰ برابر شده است. این رقم در سال ۷۵، نسبت به هزینه تامین آب سدهای نسل اول حدود ۱۷ برابر شده بود. دومین مکانیزم، رشد مهار نشده تقاضا برای آب است. سراسر ایران به دنبال دریافت آب بیشتر هستند. سومین عامل محدود کننده تداوم سیاست‌های گذشته در بخش آب، فشار فقر و نابرابری است که منجر به تعرض به محیط زیست شده است. بنابراین هیچ منطقی نمی‌پذیرد که سیاست‌های گذشته بدون پذیرش غفلت‌ها ادامه یابد. دشوار شدن ارائه راه حل‌های جایگزین چهارمین عاملی است که لزوم تغییر در سیاست‌های گذشته را اثبات می‌کند. هرچه می‌گذرد میدان عمل ما محدودتر می‌شود و پیدا کردن راه حل جایگزین را برای ما سخت می‌کند. همواره توزیع منافع را عامل لجاجت در سیاست‌های گذشته معرفی می‌کنیم. شاید این مسئله درست باشد. اگر ما به دنبال سیاست‌های جدید باشیم و به این مسایل توجهی نشود، مسیر درست را نمی‌توانیم طی کنیم. سیاست‌گذاری‌ها همواره سد راه تغییرات اساسی می‌شوند. اینکه منافع چگونه در جامعه توزیع شود، در چارچوب اقتصاد سیاسی آب می‌گنجد. باید راهی پیدا کنیم که وضعیت توزیع منافع را تغییر داده و آن را در مسیر منافع ملی قرار دهیم. حضور مردم شرایط را در عرصه عمل برای تصمیم‌سازان تنگ کرده و منجر به ایجاد تحولات می‌شود. باید در مذاکرات، تفکیک منافع ایجاد کرد و با طرح صورت مسئله به صورت شفاف، فضا را برای به نتیجه رسیدن گفتگوها فراهم کنیم. رای آغاز گفتگوها باید از مفاهیم، درک مشترکی داشته باشیم تا گفتمان شکل بگیرد.</p>

عنوان خبر	هادی خانیکي: مردم را از بحران آب نترسانيم/ جامعه‌ای در حال ريسک هستيم/ راه حل‌های نمايشی حل مسئله آب قابليت اجرا ندارند
نويسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ايلنا
خلاصه خبر	<p>هادی خانیکي: دولت دوازدهم در حال تشكيل است و ما در نظر داريم که آنچه را که طی این مدت دريافته ايم به دولت منتقل کنيم و سخنان را به حکمرانان و سياست گذاران رسانده تا راه حلی را پيدا شود. حل مسئله آب در گرو درگير کردن جامعه و تبديل مسئله آب به یک مسئله اجتماعی، به همراه جلب مشارکت عموم شهروندان و نخبگان در این حوزه است. مسئله آب فقط مسئله دولت، مهندسان يا دست‌اندرکاران علوم اجتماعی نیست. سياست مبتنی بر آب يعنی سياست زندگی، ما مسلمانان معتقديم آب منشا زندگی است. سياست آب همان سياست زندگی عموم را به مداخله، مشارکت، دوری از خشونت و یک جانبه گرایی دعوت می کند، مسئله آب می تواند به مسئله ای تبديل شود که در متن همه عرصه های زندگی از جمله اقتصاد، سياست و فرهنگ و هنر وجود دارد. البته این در کانون بودن به معنای ترساندن و ايجاد وحشت و خطر نیست، گاه گمان می کنيم اگر جامعه را از اينکه چند سال آینده در معرض نابودی و خطر هستند، بترسانيم، منجر به مشارکت می شود اما تجربه اجتماعی نشان می دهد گاهی منجر به عدم مشارکت هم می شود بنابراین طرح شعار و مباحث نگران کننده منجر به عدم مشارکت می شود. گناه بی توجهی را بر دوش گروهی خاص انداختن چه دولت و يا جامعه، شهر يا روستا و متخصص يا عامه سياست درستی نیست، رویکرد نو بايد مبتنی بر توزيع مسئوليت باشد که البته حتما دولت بار سنگين تری دارد که البته سنگيني بار رسانه، نهاد مدنی و جامعه را کم نمی کند. راهبرد جديد بايد گفت وگو محور و مبتنی بر آگاهی درست و حساس کردن جامعه به گونه ای که سهم و نقش خود را پيدا کنند. اگر گفته می شود که رویکرد دولتی قادر به حل مسئله آب نیست به معنای نادیده گرفتن نقش دولت يا مهندسان نیست اما مسئله این است که مهمترين نقيصه برنامه ریزی دولتی این است که از بالا به پايين و تمرکزگرایانه است که نقش ديگران را نادیده می گیرد. دغدغه کاهش و خطر آب نشان می دهد ما دریک جامعه در مخاطره و در ريسک هستيم که این جامعه می تواند با جلب مشارکت ديگران راهی برای رهایی خود بيابد و يا به سمت نابودی و خطر بيشتتر برود. اگر خطر آب را همه با هم ببينيم و دولت خود را بالاتر از جامعه نبيند و به راه حل‌های فوری و نمايشی از بالا به پايين که قابليت اجرا ندارد، توجه نکند و به حرف‌های خرد نهادهای مدنی و نخبگان هم توجه کند، می توان خطر را به یک فرصت تبديل کرد. در ادبيات سياسی</p>

گفته می شود ضربه ای که ما را نابود نکند باعث رشدمان می شود این مسئله هم چنین قابلیت دارد، به شرط اینکه گفتگو، نهادهای مدنی و شبکه های اجتماعی دیده شوند و یک عزم ملی با مشارکت همگان شکل بگیرد . گفتگو زمانی شکل می گیرد که مسئله مشترک باشد اما تجربه نشان داده اگر هر ذینفعی برای قانع و ساکت کردن رقیب تلاش کند به جایی نمی رسد، که ارتباطات باید مشارکتی باشد یعنی کسانی که می دانند در برابر کسانی که نمی دانند، قرار ندارند چرا که در غیر این صورت به فرافکنی منجر خواهد شد. از سیاستگذاران تا دانشگاهیان همه ممکن است اشتباهاتی داشته باشند اما زمانی که اشتباه پذیرفته شود مسئله قابل حل است و می توان سیاست موفق اتخاذ کرد.

نقد به دانشگاه کمتر از نقد به دولت و یا جامعه نیست، دانشگاه باید زبان آور شود اما اکنون جامعه مدنی و دانشگاه بر سر منفعت ملی بر سر زبان نیامده و حکمرانان نیز گوش شنوا ندارند.

مسئله آب چند وجهی و استراتژیک است و فراتر از دولت باید آن را حل کرد، فارغ از نهاد مدنی و سازمان های مردم نهاد حل نمی شود. حکمرانی آب بدون توجه به زمینه های اجتماعی راه به جایی نمی برد. اگر جامعه از مسئله واقعی آب آگاه نباشد پتانسیل جامعه به سمت موضوعات مناقشه برانگیز می رود.

باید از رسانه ها به عنوان زمینه ساز فضای گفت و گو استفاده شود و نه اینکه خواسته شود از رسانه به عنوان فضای تبلیغات رسمی دستگاه ها و دولت بهره برداری کرد، نباید از رسانه برای تزریق آنچه دولت می خواهد به افکار جامعه استفاده کرد. رسانه ها باید از نقش نظاره گری به مشارکت کننده تبدیل شوند. نیاز است که حوزه عمومی گسترش یابد و صدای ناشنیده به گوش برسد و مشارکت همگانی میسر شود.

بحران آب، بحران امنیت ملی، توسعه ملی و منافع ملی است وقتی اینقدر بحران وسیع می شود ذینفعان هم برای حل مشکل بیشتر می شوند بنا بر این در این عرصه باید نقش رسانه ها و نهادهای مدنی بیشتر دیده شود.

عنوان خبر	غفلت تاریخی از مدیریت تقاضای آب/سیاست های دولت محور باید تغییر کند
نویسنده	-
زمان انتشار	۱۷ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	خبرگزاری
عنوان رسانه	ایرنا
خلاصه خبر	<p>عباسقلی جهانی:</p> <p>طرح مسائل کلان آب بدون توجه به فرایند تاریخ تکوین مدیریت آب درست نیست. تاریخچه‌ای از فرایند تاریخی مدیریت آب شامل دوره اول فراوانی نسبی آب، دوره دوم مدیریت عرضه توسط دولت و دوره سوم مدیریت تقاضا است. با تغییر نظام مدیریت آب دولت فعال مایشاء شد و تمام ساختارهای قبلی متکی بر جوامع محلی کنار رفت، شکل جدیدی از مدیریت آب به وجود آمد که از نظر فناوری و پول متمرکز و از بالا به پایین بود. غفلت دیگر آماده نکردن زمینه برای مدیریت تقاضا به جای مدیریت عرضه بود. برای دوران گذار از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضا اقداماتی باید انجام می دادیم که هنوز صورت نگرفته است. باید از سرمایه اجتماعی برای مدیریت تقاضا کمک گرفته، در حکمرانی آب تجدیدنظر کنیم و رویکردهای نو را متکی بر مشارکت همه ذینفعان به کار ببندیم. باید در دوره ۱۰ ساله تا ۱۴۰۶ با عزم ملی و سیاسی همه طرف ها از جمله جوامع مدنی، نخبگان، کارشناسان و مردم عادی دوره گذار از مدیریت عرضه آب را به مدیریت تقاضای آب طی کنیم.</p> <p>حجت میان آبادی: باید همه زیرسیستم های سیستم آبی را در نظر بگیریم</p> <p>گام برای حل مشکل آب ارائه تعریف مشترکی از آب است. هر سیستم آبی شامل چهار زیرسیستم است؛ زیرسیستم طبیعی، اقتصادی و دفاعی، سیاسی و هیدروپولیتیکی و سازمانی و اداری که معمولا در ایران فقط زیرسیستم طبیعی دیده شده است. نگاه بخشی و جزئی نگر به مسائل و زیرسیستم طبیعی نادرست است. باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آب تفاوت قایل شویم، غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح های آب پذیرفته نیست اما نباید موضوع آب را امنیتی کرد. ابزارهای مختلف دیپلماسی علمی در دنیا فراهم شده و به کار می رود ولی ما باید ابزارهای دیپلماتیک خود را در این زمینه بیابیم و با همسایه‌های مختلف به کار ببریم. دولت، دانشگاه‌ها و مردم در این زمینه دخالت دارند و متاسفانه در هر سه گروه ضعف داریم. کمبود آب در دنیا ثابت شده است ولی به معنای بروز جنگ آبی نیست. آب های مشترک هم باعث اختلاف و هم باعث همکاری در کشورهای گوناگون شده اند.</p> <p>هادی خانیکی: مشکل آب محصول جامعه ای است که لکنت زبان دارد و حکمرانانی که گوش شنوا ندارند.</p>

مشکل آب را فقط مساله دولت یا دست اندرکاران اجتماعی نباید بدانیم، درگیرکردن جامعه، تبدیل آن به مساله اجتماعی و جلب مشارکت نخبگان بخشی از راهکار است. سیاست بر پایه آب یعنی سیاست زندگی و آب منشا زندگی است و این امر در کانون فرهنگ، هنر، جامعه و زندگی وجود دارد. رسانه ها، نهادهای مدنی، راهبرد جدید گفت و گو محور آگاهی درست و حساس کردن مردم جامعه به شکل درست از دیگر رویکردهاست. تفکر مهندسی قادر به حل مساله آب نیست، برنامه ریزی دولتی از بالا به پایین، تمرکزگرایانه و نادیده گرفتن نقش دیگران مهم ترین معضلات در این زمینه است. نقد اقدامات مجموعه حکومت باید جدی گرفته و حرف های دانشگاه باید شنیده شود؛ البته دانشگاه ها هم مقصر هستند و باید برای گفتن موضوعات تخصصی به میدان بیایند. مشکل آب محصول جامعه ای است که حرف نمی زند یا لکنت زبان دارد و حکمرانانی که گوش شنوا ندارند. روش های ضربتی مانند انتقال آب از خلیج فارس یا استحصال آب از منابع جوی و ... راه حل های نقطه به نقطه است که در سال های گذشته بیشتر به آنها توجه شد؛ به جای توجه بر قاعده گفت و گو و جلب مشارکت مردم. جامعه ما در مخاطره است و اگر راهی برای جلب مشارکت نیابد، به سمت نابودی پیش می رود. دولت باید به نظرهای خرد و کلان نهادهای مدنی، شبکه های اجتماعی و کمپین ها هم توجه کنند.

محمد امین قانعی راد: تفکر مهندسی قادر به حل مساله آب نیست

نگرانیم در دولت دوازدهم هم در بر همان پاشنه بچرخد، وضعیت قبلی تداوم یابد و نهادهای مدنی در این مجموعه نادیده گرفته شوند به این دلیل خواستار برگزاری این نشست اکنون شدیم. مهمه فعالیت های اقتصادی فعلی کشور به سمت آلودگی خاک، آب و هوا پیش می رود. اقتصاد کشور به دلیل همین انتقادات به سمت پتروشیمیایی شدن پیش می رود. با آنکه بخش کشاورزی منابع آبی زیادی را مصرف می کند بخش صنعت به ویژه صنایع پتروشیمی منابع آبی و محیط زیست را به شدت آلوده می کنند. وی ادامه داد: استدلال های ساده نباید ما را به خداحافظی با نخلستان ها و کشاورزی بکشاند. این بحران به سوی شکل گیری منازعه جامعه مدنی با دولت، منازعات قومی و بازار و دولت پیش می رود. سیاسی شدن مساله آب و پیوند آن با الگوی توسعه و جامعه صنعتی چارچوب پیچیده ای ایجاد و پای گروه های مختلف اجتماعی را در بحران آب باز کرده است. ما نیاز به سرمایه اجتماعی چندگانه داریم. این سرمایه دولت را به جامعه مدنی، صنعتگر را به بازرگان، کشاورز را به اقتصاد مدرن پیوند می زند و دولت باید در جهت این پیوندهای پیش برنده در جامعه مدنی گام بردارد.

انوش نوری اسفندیاری: عرصه عمل سیاست های دولت محور تنگ شده است

مکانیزم های محدود کننده برای توزیع آب داریم که شامل گران تمام شدن تامین آب اضافی است. قیمت تولید آب در سدهای نسل اول ۵۰ ریال برای هر متر مکعب بود و اکنون با افزایش ۱۰۰ برابری به ۵۰۰۰ ریال رسیده است. یکی دیگر از مکانیزم های محدودکننده را رشد مهارنشده تقاضا برای آب در همه استان های کشور است. فشار فقر و نابرابری که در برابر عمل مقاومت و به محیط زیست را تعرض می کند. همچنین محدود شدن گزینه های دولت را از دیگر مکانیزم های محدود کننده می باشد. مشکل آب را باید با گفت وگوهای گسترده با نخبگان، کارشناسان حوزه های مختلف، انجمن ها و سازمان های مردم نهاد و مردم عادی با مشارکت رسانه ها پیش ببریم.

عنوان خبر	گذر از ۱۰ سال «ریاضت آبی» نیازمند برنامه ملی است
نویسنده	مژگان جمشیدی
زمان انتشار	۱۹ مردادماه ۱۳۹۶
نوع رسانه	روزنامه
عنوان رسانه	ایران
خلاصه خبر	<p>عباسقلی جهانی: ساختارهای محلی مدیریت آب، مدیریت نکردن عرضه و تقاضا را سه غفلت تاریخی مدیریت منابع آب در کشور است. همه آنچه در کشور از آن با عنوان توسعه یاد می‌شود، تنها توهم توسعه است، ما اصلاً مفهوم توسعه را در ایران درست نفهمیدیم. آنچه امروز در کشور با آن مواجه هستیم اسمش عمران نقطه ای است و با توسعه همخوانی ندارد. در مدیریت آب تمام ساختارهای قبلی که متکی بر جوامع محلی بود به کنار گذاشته شد. دولت‌ها فکر کردند که با برنامه‌ریزی تحکمی و متمرکز و نگاه از بالا به پایین و با استفاده از پول و تکنولوژی می‌توانند جوابگوی این توازن باشند. بنابراین به نوعی این غفلت موجب بحران امروز شد. ما برای مدیریت عرضه و تقاضا برنامه نداشتیم سوار قطاری شدیم که از ایستگاه مدیریت تقاضا رد شده و هنوز هم متوجه نیستیم که از ایستگاه گذشته‌ایم. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۹۷ درصد منابع بخش آب صرف جنبه‌های مدیریت عرضه شده و طبیعی است که با این وضعیت ما زمان زیادی را برای مدیریت تقاضا از دست داده‌ایم. برای ساماندهی وضعیت کنونی، نیازمند بازسازی حکمرانی آب و تجدید نظر کامل در شیوه‌های گذشته مدیریت آب همچنین اتخاذ رویکرد نو و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی هستیم. اگر قرار است ما غفلت‌های گذشته را جبران کنیم، ناچاریم نقشه راهی مبتنی بر یک دوره گذار ترسیم کنیم؛ اسم این دوره را «ریاضت آبی» می‌گذارم باید تلاش کنیم در این دوره که حداقل ۱۰ سال به طول می‌انجامد، با یک عزم ملی و تجهیز نخبگان، تکنیسین‌ها و سرمایه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی کنیم و شرایط را به جایی برگردانیم که این اشتباه تاریخی از آن نقطه شروع شده است. پیشنهاد ما که در بیانیه نخبگان آب نیز مطرح و برای رئیس جمهوری ارسال شد، این است که تمام طرح‌های نیمه کاره توسعه منابع آب با شرایط واقعی انطباق داده شوند. این طرح‌ها به کمک افراد مورد وثوق و نخبگان با توجه به اصول توسعه پایدار و مهندسی دوباره، باید مورد بازنگری قرار گیرند. محمد امین قانعی راد: جامعه شناسی در نظام مدیریتی ایران بویژه در بخش آب ایران جدی گرفته نمی‌شود و حاکم بودن تفکر صرفاً مهندسی در بخش آب را دلیل بحران امروز آب در کشور است. بدون اجتماعی کردن مسأله آب، نمی‌توان راه حلی برای مشکل پیدا کرد و در حال حاضر این نگرانی وجود دارد که وضعیت قبلی ادامه یابد و نهادهای مدنی و انجمن‌های علمی به‌عنوان نهادهای کم توقع و صاحب ایده، همچنان</p>

نادیده گرفته شوند. متأسفانه در این کشور هیچ وقت ما را به بازی دعوت نکردند و ما به عنوان جامعه مدنی همیشه خودمان، خودمان را به بازی انداختیم گویی در این کشور جامعه شناسی در کل نخودی است. در این ۴ سال به جامعه مدنی کمتر توجه شده و متأسفانه تمام ظرفیت‌های جامعه مدنی نادیده گرفته شد در حالی که می‌توانست یک شور اجتماعی در این دوره برانگیخته شود که نشد حتی انتظار ما این بود که حداقل انجمن‌های علمی را در جلسات کارشناسی دعوت کنند و ایده‌های آنها جدی گرفته شود که این هم تحقق نیافت. باید آثار اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی فعالیت‌های عمرانی در کشور به دقت بررسی شود، حفظ منابع حیاتی را یکی از اولویت‌های اصلی جامعه شناسان است. نقد ما به فعالیت‌های مهندسی نادیده گرفتن منابع حیاتی است. ما می‌خواهیم تنوع زیستی داشته باشیم، نخلستان‌های ما در جنوب زنده باشند، ماهی‌ها و همه آبزیان در دریا به حیات خود ادامه دهند اما بسیاری از فعالیت‌های صنعتی و عمرانی کشور خاک و آب را آلوده کردند و همه عناصر چهارگانه که در گذشته مبنا و زیرساخت توسعه لحاظ می‌شد امروز تمام آنها در حال نابودی است. خاک کشور دچار فرسایش شده و نه تنها منابع سطحی بلکه منابع آب زیرزمینی نیز با توجه اقتصادی در حال آلوده شدن و زوال تدریجی ذخایر است و همین ما را نگران کرده است. بی‌توجهی نسبت به مسأله محیط زیست تحت عنوان بحران آب در کشور نمود پیدا کرده است. امروز می‌بینیم که عملاً اقتصاد ایران بسرعت به سمت پتروشیمیایی شدن در حال حرکت است و نشانه‌های این گفته را روز چهارم مرداد در بخش آبپخش شهرستان دشتستان در بوشهر شاهد بودیم زمانی که وزیر صنعت برای افتتاح یک طرح فاقد مجوز زیست محیطی به منطقه سفر کرد با اعتراض مردم، این طرح متوقف شد. حالا سؤال اینجاست که یک وزیر چگونه به خود اجازه می‌دهد بدون دریافت مجوز زیست محیطی و دیگر مجوزهای لازم طرح پتروشیمی را افتتاح کند؟ و بعد مردم بحق بیایند و از او بپرسند که پساب را به کجا می‌خواهید بریزید و آب مورد نیازش را از کجا می‌خواهید تأمین کنید. امروز دیگر همه می‌دانند قدرت ویرانگری بخش صنعت قابل مقایسه با کشاورزی نیست. حرکت‌های زیست محیطی ژست‌های شیک نیست بلکه با سلامت مردم سر و کار دارد. اینکه گفته می‌شود در شرایط نبودن اشتغال شعار محیط زیست نباید داد، بدترین شکل مسأله پردازی در کشور است و این شکل برخورد فقط نزاع بین جامعه مدنی، دولت و بازار را تشدید می‌کند. شرایط گفت‌وگو درباره آب با سیاسی شدن مسأله بسیار پیچیده شده است. ما برای حل مسأله آب نیازمند سرمایه اجتماعی چندگانه هستیم تا ذینفعان مختلف در مسأله آب را به یکدیگر پیوند بزنند. امروز مخالفت جامعه شناسان با طرح‌های توسعه، به مفهوم مخالفت با توسعه نیست بلکه مخالفت با

ناپایداری طرح‌های توسعه است. وقتی طرحی پیوست اجتماعی ندارد، اجرای آن در جامعه گسست ایجاد می‌کند و شرایط به گونه‌ای است که انگار طرح‌های توسعه اقتصادی سوار ما شده‌اند و ما سوار الگوهای توسعه نشده‌ایم. ما می‌خواهیم این رویه عوض شود چون دیگر نمی‌توان حفظ محیط زیست را با پول سنجید. این نگاه غلطی است که همه چیز را تبدیل به پول کنیم. بین حق حیات یک جانور و پول نسبتی وجود ندارد. فراتر از پیوست زیست محیطی، هر طرح عمرانی و صنعتی باید یک پیوست آب داشته باشد و به کارشناسان فرصت مطالعه و اعلام نظر درباره طرح‌های عمرانی از طریق سایت وزارتخانه‌های مرتبط داده شود تا بتوانند نظرات شان را ظرف یک تا دو ماه اعلام کنند.

حجت میان آبادی: آب ترکیب در هم تنیده‌ای از مسائل طبیعی و انسانی است که در دهه‌های اخیر، با غفلت بسیار عجیب و معناداری در استفاده از حوزه علوم انسانی در مدیریت منابع آب مواجه شده است. در نقطه مقابل شاهد توجه افراطی و نگاه کاریکاتور وار به مسائل حوزه آب با نگاه صرفاً مهندسی بوده‌ایم. امروز بسیاری از تعاریفی که از آب در دانشگاه‌ها و طرح‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در کشور ارائه می‌شود، ناقص یا غلط است. ابتدا باید آب و سیستم‌های آبی را تعریف کنیم تا بتوانیم مسائل آب کشور را حل کنیم. آب دارای چهار زیر سیستم مهندسی، اقتصادی-اجتماعی، حقوقی و «سیاسی و هیدروپلیتیک» است اما در ایران فقط به بخش مهندسی آن توجه شده است. باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آن تفاوت قائل شویم. مسائل آب در بعد ملی و بین‌المللی امنیتی است اما غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح‌ها، سیاست‌ها و رویکردها، پذیرفته نیست. این مسأله به معنی امنیتی کردن آب نیست. در نهادهای سیاستگذار بحث‌هایی می‌شنویم که مسائل آبی را با نگاه امنیتی مورد توجه قرار می‌دهند. این مسأله خطرناک است. مذاکرات آبی یکی از ابزارهای دیپلماسی است و ابزارهایی که در دیپلماسی آب به کار گرفته می‌شود برای هر منطقه باید متفاوت باشد. ابزاری که در افغانستان بر سر هیرمند قابل استفاده است، لزوماً در همین کشور بر سر هریرود کاربرد ندارد. از این ابزارها برای مذاکره با سایر کشورها نظیر ترکیه یا نواحی دیگر که دارای مناقشه آبی با ایران هستند، نمی‌توان بهره گرفت. رسانه‌های ایران در مسأله دیپلماسی آب در خوشبینانه‌ترین حالت به صورت خنثی عمل می‌کنند.

انوش نوری اسفندیاری برای تداوم روند گذشته چهار مکانیسم محدودکننده داریم. مکانیسم اول قیمت تمام شده آب اضافی برای کشور است که بشدت رو به افزایش است. به لحاظ شرایط عرضه آب در کشور، برای تأمین هر متر مکعب آب اضافه هزینه زیادی از نظر اقتصاد و زیست محیطی باید پرداخت شود. هزینه تأمین هر متر مکعب

آب برای سدهای نسل اول، ۵۰ ریال بود. این رقم در حال حاضر به پنج هزار ریال برای هر مترمکعب آب رسیده است. یعنی قیمت هر متر مکعب آب تنظیمی ۱۰۰ برابر شده است. این رقم در سال ۷۵، نسبت به هزینه تأمین آب سدهای نسل اول حدود ۱۷ برابر شده بود. دومین مکانیسم، رشد مهار نشده تقاضا برای آب است. سومین عامل، فشار فقر و نابرابری است که منجر به تعرض به محیط زیست شده است. بنابراین هیچ منطقی نمی‌پذیرد که سیاست‌های گذشته بدون پذیرش غفلت‌ها ادامه یابد و چهارمین عامل هم دشوار شدن ارائه راه حل‌های جایگزین است. حضور مردم در نهاد تصمیم‌گیری باعث ایجاد تحولات می‌شود بنابراین باید در مذاکرات، تفکیک منافع ایجاد کرد و با طرح صورت مسئله به صورت شفاف، فضا را برای به نتیجه رسیدن گفت‌وگوها فراهم کنیم. هادی خانیکی: حل مسئله آب در گرو درگیر کردن جامعه و تبدیل مسئله آب به یک مسئله اجتماعی، به همراه جلب مشارکت عموم شهروندان و نخبگان در این حوزه است. مسئله آب فقط مسئله دولت، مهندسان یا دست‌اندرکاران علوم اجتماعی نیست. در کانون قرار دادن مسئله آب به معنی ایجاد خطر درباره آب نیست. اگر جامعه را بترسانیم که چند سال دیگر منابع آب پایان می‌یابد، این رفتار منجر به افزایش مشارکت نمی‌شود. حتی مطالعات دانشجویانم در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی نشان می‌دهد که این هشدارها می‌تواند منجر به مشارکت نکردن مردم شود.

بحران آب عزم سیاسی و ملی می‌خواهد	عنوان خبر
-	نویسنده
خبر	نوع خبر
۱۸ مردادماه ۱۳۹۶	زمان انتشار
روزنامه	نوع رسانه
صمت	عنوان رسانه
<p>عباسقلی جهانی: بدون توجه به فرآیند تاریخی تکوین مدیریت آب در کشور، حل مسائل کلان در این حوزه سخت است. بنابراین به صورت کوتاه، نگاهی به فرآیند تاریخی و غفلت‌های این حوزه خواهم داشت. مشکلی که در مدیریت منابع آب ایران همزمان با افزایش تقاضا رخ داد این بود که چند غفلت بزرگ تاریخی را در این دوره شاهد بودیم که نتیجه آن پیدایش وضعیت امروز است. با تغییر نظام مدیریت آب، دولت فعال مایشاء شد. در مدیریت آب تمام ساختارهای قبلی که متکی بر جوامع محلی بود کنار گذاشته شد. دولت‌ها فکر کردند که با برنامه‌ریزی تحکمی و متمرکز، با استفاده از پول و فناوری می‌توانند جوابگوی این توازن باشند. غفلت مهم دیگر این بود که تشخیص داده نشد در چه زمانی باید بسترهای مناسب برای مدیریت تقاضا ایجاد شود. ما برای مدیریت تقاضا برنامه نداشتیم. برای ساماندهی وضعیت کنونی، نیازمند بازسازی حکمرانی آب و تجدیدنظر کامل در شیوه‌های گذشته مدیریت آب و همچنین اتخاذ رویکرد نو و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی هستیم. اگر قرار است ما غفلت‌های گذشته را جبران کنیم، ناچاریم نقشه راهی مبتنی بر یک دوره‌گذار ترسیم کنیم. نام این دوره را ریاضت آبی می‌گذارم. باید تلاش کنیم در این دوره که حداقل ۱۰ سال به طول می‌انجامد، با یک ملی و تجهیز نخبگان، تکنیسین‌ها و سرمایه‌های اجتماعی، بتوانیم برای عبور از این دوره برنامه‌ریزی کنیم و شرایط را به جایی برگردانیم که این اشتباه تاریخی از آن نقطه شروع شده است.</p> <p>حجت میان‌آبادی: نخستین گام برای رفع مشکل آب ارائه تعریف مشترکی از آب است. هر سامانه آبی شامل ۴ زیرسیستم است؛ زیرسیستم طبیعی، اقتصادی و دفاعی، سیاسی و هیدروپولیتیکی و سازمانی و اداری که در ایران فقط زیرسیستم طبیعی دیده شده است. نگاه بخشی و جزئی نگر به مسائل و زیرسیستم طبیعی نادرست است. باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی کردن آب تفاوت قائل شویم، غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح‌های آب پذیرفته نیست اما نباید موضوع آب را امنیتی کرد. دولت، دانشگاه‌ها و مردم در این زمینه دخالت دارند و متأسفانه در هر ۳ گروه ضعف داریم. او تصریح کرد: می‌توانم اینگونه نتیجه‌گیری کنم که کمبود آب در دنیا ثابت شده است اما به معنای بروز جنگ آبی نیست. آب‌های مشترک هم باعث اختلاف و نیز باعث همکاری در کشورهای</p>	خلاصه خبر

گوناگون شده‌اند.

هادی خانیکی: مشکل آب را فقط مسئله دولت یا دست‌اندرکاران اجتماعی نباید بدانیم، درگیرکردن جامعه، تبدیل آن به مسئله اجتماعی و جلب مشارکت نخبگان بخشی از راهکار است. سیاست بر پایه آب یعنی سیاست زندگی و آب منشأ زندگی است و این امر در کانون فرهنگ، هنر، جامعه و زندگی وجود دارد. تفکر مهندسی قادر به حل مسئله آب نیست، برنامه‌ریزی دولتی از بالا به پایین، تمرکزگرایانه و نادیده گرفتن نقش دیگران مهم‌ترین معضلات در این زمینه است. باید از رسانه‌ها به عنوان زمینه‌ساز فضای گفت‌وگو استفاده شود. بحران آب، بحران امنیت ملی، توسعه ملی و منافع ملی است وقتی به این شدت بحران وسیع می‌شود ذی‌نفعان هم برای حل مشکل بیشتر می‌شوند بنابراین، در این عرصه باید نقش رسانه‌ها و نهادهای مدنی بیشتر دیده شود. از نگاه کارشناسان می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مشکل آب محصول جامعه‌ای است که حرف نمی‌زند یا لکنت زبان دارد و حکمرانانی که گوش شنوا ندارند. روش‌های ضربتی مانند انتقال آب از خلیج فارس یا استحصال آب از منابع جوی و... راه‌حل‌های نقطه به نقطه است که در سال‌های گذشته بیشتر به آنها توجه شد. جامعه ما در مخاطره است و اگر راهی برای جلب مشارکت نیابد، به سمت نابودی پیش می‌رود. دولت باید به نظرهای خرد و کلان نهادهای مدنی، شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌ها هم توجه کند.

پیوست شماره ۲: اسامی شرکت کنندگان در نشست رویکردهای نو

ردیف	نام خانوادگی	نام	ارگان مربوطه	تخصص	مرتبۀ علمی / سمت
۱	نصیب علی	صابر	دانشگاه	علوم ارتباطات	دانشجو
۲	جهانشاهلو راد	مهدی	خبرگزاری عطانا. دانشگاه علامه طباطبایی		خبرنگار
۳	سلمانی	دانش	مرکز تحقیقات دانشگاه شریف		
۴					
۵	نوروزی	شایان		طراحی شهری	
۶	ملک محمدی	فهمیمه	روزنامه صمت		روزنامه نگار
۷	فاطمی	سید حمیدرضا	مرکز همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری		
۸	نظری	مهدی	مرکز همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری		
۹	قنبرپور	سینا	هفته‌نامه کلید ملی		سردبیر هفته‌نامه کلید ملی
۱۰	موسوی	سیده ثریا	دانشگاه علامه طباطبایی	علوم ارتباطات	دانشجو
۱۱	معتقد	علی	وزارت نیرو		بازنشسته
۱۲	بردیاfer	نیما	پایگاه داده‌های فرهنگی	دکتری	دانشجو
۱۳	یمینی	ولی الله	شرکت مدیریت منابع آب و خاک		
۱۴	یمینی	فاطمه	جهاد دانشگاه تهران		
۱۵	علی یاری	حامد	مؤسسه آب دانشگاه تهران		
۱۶	رزم خواه	علی	مؤسسه توسعه پایدار (سنستا)		
۱۷	مناقب	مینا	دانشگاه	کارشناسی ارشد علوم اجتماعی	دانشجو
۱۸	ملک زاهدی	عطیه	دانشگاه	کارشناسی ارشد علوم ارتباطات	دانشجو
۱۹	غفاری	سامان	دانشگاه	کارشناسی ارشد سازه‌های آبی	دانشجو
۲۰	قلی پور	زهرا	خبرگزاری ایلنا		خبرنگار

کارشناسی ارشد جامعه شناسی	عفیفه	سجادیان	۲۱
	مؤسسه توسعه پایدار (سنستا)	رضوی	۲۲
برنامه‌ساز تلویزیون و بخش خصوصی		پیمان	۲۳
روزنامه نگار	روزنامه ایران	جمشیدی	۲۴
		بخشی	۲۵
		نوروزی	۲۶
پژوهشگر		پیر صوفی املشی	۲۷
			۲۸
خبرنگار	خبرگزاری ایرنا	شوشتری	۲۹
		واثق	۳۰
خبرنگار	خبرگزاری پارس	پمیل زاده	۳۱
فعال حوزه‌ی نیرو		حسینی	۳۲
خبرنگار حوزه‌ی محیط زیست	خبرگزاری	خباز	۳۳
روزنامه نگار	روزنامه اعتماد	قبادی	۳۴
	کشاورزی	طاهری	۳۵
دانشجو	دکتری علوم اجتماعی	دانشگاه تهران	۳۶
	علوم اجتماعی	دانشگاه پیام نور	۳۷
		لاجوردی	۳۸
		حمید	۳۹
	آزاد	وطن شناس	۴۰
	وزارت نیرو	سلطانی	۴۱
	وزارت نیرو	سید علوی	۴۲
	انجمن دامون	سید مهدی	۴۳
	انجمن دامون	مجتهدی	۴۴
جغرافیای انسانی		ورجاند	۴۵
		حسین	۴۶
		میترا	۴۷

		سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی سیستان و بلوچستان	حمیدرضا	جهان تیغ	۴۵
			امیر	بهشتی پور	۴۶
دانشجو	کارشناسی ارشد اقتصاد	دانشگاه	خدیجه	قاصدی	۴۷
		دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	مریم	پورثانی	۴۸
		مهاب قدس	مجید	محمود زاده	۴۹
		مهاب قدس	الهام	رحمتی	۵۰
		مهاب قدس	محمد ابراهیم	رئیزی	۵۱
		ریاست جمهوری	عباس	بهلول وند	۵۲

پیوست شماره ۵ سه: پوستر نشست

نشست آب و رویکردهای نو در آستانه آغاز کار دولت دوازدهم

یک دهه همکاری ملی آب

سخنرانان: محمد امین قانع‌راد

هادی خانیکی

حجت‌میان آبادی

انوش نوری اسفندیاری

عباسقلی جهانی



زمان: دوشنبه ۱۶ مردادماه ۹۶

ساعت ۱۷ الی ۲۰ عصر

مکان: تهران - خیابان استادنجات الهی (ویلا) - نبش ورشو
ساختمان خانه اندیشمندان علوم انسانی - طبقه سوم - سالن خیام



انستیتو ملی تحقیقات آب ایران

انستیتو ملی تحقیقات آب ایران

انستیتو ملی تحقیقات آب ایران

انستیتو ملی تحقیقات آب ایران